

بسم‌الله الرحمن الرحیم

**پی گیری تخصصی مسائل نظام**

**(شیوه‌نامه‌ی کار علمی در یک تشکل دانشجویی)**

**تقدیم به** [**شهید مصطفی احمدی روشن**](file:///D:\Documents%20and%20Settings\بسیج\بسیج%20علمی\جزوات\مرچع\ghiam.ir\%3fp=1244)**، روشن‌کننده‌ی** [**راه و رسم شهادت‌طلبی و بسیجی بودن در دهه‌ی پیشرفت و عدالت**](http://ghiam.ir/?p=1266)

اشاره: متن زیر حاصل تلفیق و تصحیح پیاده شده‌ی چند ارائه‌ی دانشجویی در سال 1391 در جمع معاونت‌های علمی و بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، معاونت‌های علمی بسیج دانشجویی‌های پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران، بسیج دانشجویی دانشکده‌ی برق دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران، مرکز مطالعات سلامت بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران، معاونت‌های علمی دانشکده‌های علوم انسانی بسیج دانشجویی‌های دانشگاه‌های شهر تهران به‌وسیله محمدصادق شهبازی است.

**فهرست موضوعی**

فصل اول: الزامات جنبش دانشجویی دهه‌ی عدالت و پیشرفت

* نیازهای متفاوت لحظه‌های انقلاب
* نیازها و نزاع‌های دوره‌های مختلف انقلاب
* الزامات دهه‌ی چهارم انقلاب کبیر اسلامی
* رابطه با دولت‌ها و مسئولین
* اولویت‌ها و سایر کارها

فصل دوم: بررسی وضع موجود و مشکلات و آسیب‌های کارهای علمی و تخصصی تشکل‌های دانشجویی

* ضرورت توجه به ویژگی های ممتاز در یک تشکل دانشجویی
* آدرس‌های غلط:
  + تفاوت وظایف علمی فردی وظایف تشکل دانشجویی
  + اختراع،کنکور،المپیاد و ISI، آدرس‌های غلط علمی نظام
  + كج‌فهمي کار تخصصی
  + آدرس غلطی به نام تولید علم در یک تشکل دانشجویی
  + درگیر کردن همه ظرفیت‌ها در جایی که تکلیف نیست
  + موازی‌کاری، بخشی نگری یا جزو پازل نهادها و مراکزی که وظیفه انجام مسئله‌ای را دارند
* آسیب‌های عدم انجام وظیفه:
  + بی‌توجهی به تفاوت‌ها
  + آسیب قطعه‌قطعه شدن فعالان دانشجویی
  + آسیب ناامیدی از حوزه‌ی تخصصی و تغییر رشته
  + وضعیت نا به سامان‌تر علوم انسانی
  + عدم توانایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای کشور

فصل سوم: چه باید کرد؟

* ابعاد مختلف زندگی یک فعال دانشجویی
* گره زدن ابعاد مختلف زندگی دانشجویی و مأموریت‌های یک تشکل دانشجویی
* وظایف یک تشکل دانشجویی
* ویژگی‌های خاص محیط و فعالیت دانشجویی و وظایف مرتبط با مسائل نظام و فضای علمی
  + ویژگی‌های خاص محیط دانشجویی و فعالیت دانشجویی
  + آرمان‌خواهی
  + گفتمان سازی راه اصلی اثرگذاری جنبش دانشجویی
  + تصمیم‌سازی و نه تصمیم‌گیری
  + تلاش برای اصلاح سازوکار نه اقدام و درگیر حل مسئله شدن
  + ضرورت مطالبه داشتن و پی‌گیری آرمان‌ها
  + ضرورت حضور فکری  و فیزیکی در مسائل كشور
  + پی‌گیری تخصصی مسائل نظام

فصل چهارم: گام‌های عملیاتی

* شناخت کلی پیدا کردن از مسائل حوزه‌ی تخصصی
* پی‌گیری مسئله
* بعضی نکات مهم در فرآیند پی‌گیری تخصصی مسائل نظام
  + مسئله‌ی نیرو
  + محوریت یافتن اقدام جمعی و تشکلی و قرارگاهی
  + کار محوری نه تشکیلات محوری
  + مسئله محوری نه رشته محوری
  + معضل دانشجویان تحصیلات تکمیلی
  + توجه به نسبت کار علمی فردی با پی‌گیری تخصصی مسائل نظام
  + تحلیل پیدا کردن از مسئله و عدم اکتفا به‌پیش‌نهاد بیرونی
  + سطوح مختلف مطالبه
  + واقع‌بینی به اثرگذاری مطالبه
  + درک جایگاه پی‌گیری تخصصی در زندگی اجتماعی فرد
  + توجه به لوازم پی‌گیری تخصصی مسائل نظام ضمن عدم سرگرم شدن به لوازم
  + ضرورت دید سیاسی داشتن
  + مطالبه خانگی و عدم معارضه
  + عدم سطحی‌نگری و خود متخصص پنداری
  + عدم پیچیده کردن و تعمیق بیجای مسئله
  + عدم نردبان کردن پی‌گیری تخصصی مسائل نظام
  + درک دوران رشد و پیشرفت کشور و عدم یأس
  + اولویت پاسخ به نیاز لحظه‌های انقلاب به کارهای زیرساختی
  + عدم پرداختن به سنگ بزرگ
  + توجه به قوانین، اسناد و نهادهای مربوط
  + مشکلات ویژه‌ی علوم انسانی‌ها
  + معضل خاصّ دانشجویان رشته‌های با مدّت تحصیل طولانی
  + نگاه درست به فرآیند جذب افراد به تشکل
  + اضطرار و کارهای بر زمین مانده
  + مستندسازی و خدمات پس از فروش

فصل پنجم: نمونه‌های موفق در فرایند یا نتیجه

* مبارزه با بازاریابی شبکه‌ای
* نقد صدا و سیما
* پی‌گیری مسائل تخصصی حوزه‌ی نفت
* پی‌گیری وضعیت کارگران
* مبارزه با دانشجوی پولی
* پی‌گیری وضعیت آموزشی گروه‌های علمی دانشگاه
* مقابله با ساخت و سازهای خلاف اصول در تهران
* پی‌گیری تخصصی مسائل نظام در حمایت از فلسطین
* پی‌گیری وضعیت علم و فناوری در کشور
* پی‌گیری تخصصی مسائل نظام در انتخابات
* پی‌گیری سیستماتیک وضعیت حجاب و عفاف
* پی‌گیری بیداری اسلامی با شیوه‌ی تخصصی
* مقابله‌ی با کارتن‌خوابی
* مقابله با خصوصی شدن سلامت و آموزش‌وپرورش و پی‌گیری خصوصی مسائل نظام سلامت
* پی‌گیری مسائل خصوصی‌سازی
* پی‌گیری‌های حقوقی مسائل کشور
* پی‌گیری عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی
* جنبش دفاع از استقلال
* جلوگیری از تخریب مزار شهدا
* پی‌گیری مسائل حاشیه‌نشین‌ها
* پی‌گیری تخصصی مسائل کشاورزی
* مقابله با اولویت تولید خارجی به تولید داخلی
* مبارزه با واردات بي‌منطق محصولات كشاورزي
* حمايت از توليد كشاورزي و كاهش وابستگي در قوت غالب مردم

**فصل اول: الزامات جنبش دانشجویی دهه‌ی عدالت و پیشرفت**

* **نیازهای متفاوت لحظه‌های انقلاب**

هر دوره و لحظه از انقلاب کبیر اسلامی، به تبع طی کردن مراحل مختلف آن و نقش‌آفرینی متفاوت دشمنان، واجد اولویت‌ها و الزاماتی است که با دوره‌های دیگر آن متفاوت است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: «هر انسانى بايد تلاش كند، نياز لحظه را بشناسد و آن را برآورده كند. اگر نياز اين لحظه‏ى تاريخ را نشناختيد و آن را برآورده نكرديد و فردا فهميديد، كار گذشته و دير شده است؛ مثل يك خطّ توليد كه همين‏طور حركت مى‏كند و تكنسين‏ها و كارگران و مهندسان و متخصّصان در جاى خودشان قرار گرفته‏اند. وقتى اين ابزار جلوِ شما مى‏رسد، اگر كارى را كه بايد انجام دهيد، انجام نداديد، ديگر از دست رفته است؛ ابزار بعدى يك چيز ديگر است. تاريخ و زمان و نيازهاى جامعه اين‏طورى است؛ و اين آن چيزى است كه جوان به خصوص دانشجو از عهده‏ى آن برمى‏آيد؛ مى‏تواند آن را بداند و مى‏تواند عمل كند؛ چون انرژى دارد؛ فعال است؛ چشمش باز است؛ ذهنش باز است؛ آينده هم متعلّق به اوست؛ براى خودش هم كار مى‏كند». (بيانات در ديدار از دانشگاه صنعتى شريف 1378/9/1‏)

* **نیازها و نزاع‌های دوره‌های مختلف انقلاب**

دهه‌ی اول انقلاب و شرایط تحقق فرآیند انقلابی، تثبیت انقلاب و شکل‌گیری نهادها، مقابله با گروهک‌ها و تجزیه‌طلبی، مقابله با نقش‌آفرینی‌ استکبار جهانی در کشور، صدور انقلاب، مقابله با استضعاف و عدم پیشرفت متوازن روستاها و حاشیه‌ی شهرها، جنگ نظامی و.... عرصه‌هایی بود که جنبش دانشجویی را بسته به نیاز لحظه به صحنه کشاند، بسیاری نهادهای انقلابی و مناسبت‌های تقویمی که افتخار ملی به شمار می‌آیند از سپاه و جهاد تا فتح لانه و انقلاب فرهنگی مشحون از این حضور و نقش‌آفرینی است.

دهه‌ی دوم با مسائلی از جنس سازندگی، جنگ فقر و غنا، تهاجم فرهنگی، نوسازی معنوی، مقابله با تجدیدنظرطلبی و دهه‌ی سوم با جنبش آزاداندیشی، نهضت عدالت‌خواهی، نهضت تولید علم، دفاع از استقلال و عزت ملی، مقابله با جنگ نرم و.... رو به رو بود. نیازهایی که هر چند با پاسخ‌هایی مواجه شد، اما واکنشی، منفعلانه، با تأخیر فاز، تزاحم با اقدامات بی‌اولویت، بخشی‌نگری، [ماندن در نوستالژی جنگی که بود](http://ghiam.ir/?p=1266) و .... نتوانست مانند دهه‌ی اول به صوت کامل نقش تاریخی جنبش دانشجویی را ایفا کند و دانشگاه، ضلعی فعال و پیشرو در تحول و تعالی کشور باشد. مهم‌ترین مسئله این است که باید فرزند زمان خویش بود، و به نیازهای آن پاسخ گفت، وگرنه انجام کار خوبی که نیاز یک دوره است در بسیاری موارد در دوره‌ی دیگر می‌تواند مضر یا حداقل بی اولویت باشد. وقتی نوع و مدل کارهای یک تشکل در زمان جنگ، دولت سازندگی، دولت اصلاحات، یا شرایط دهه هشتاد و نود یک چیز باشد، و تغییرات زمانه تغییری در آن ایجاد نکند، کج کارکردی ایجاد می‌شود.

* **الزامات دهه‌ی چهارم انقلاب کبیر اسلامی**

حال در آستانه‌ی نیمه‌ی دهه‌ی چهارم انقلاب کبیر اسلامی، اولویت‌ها و نیازهایی پیش‌آمده که با گذشته متفاوت است. طبیعی است باید عالم به زمان بود، و مطابق نیازها ویژگی های زمانه باید عمل کرد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب در شرایط پیچ تاریخی که هر هزار سال یک‌بار ممکن است برای ملتی رخ دهد، واقع شده‌ایم. به تبع مقاومت سی ساله‌ی ملت ایران، ملت‌های اسلامی و عدالت‌خواهان و آزادی‌خواهان دنیا نیز بیدار شده و احساس هویت کرده‌اند، بیداری اسلامی در کشورهایی نضج گرفته و به ثمر نشسته است. استکبار جهانی نیز در تلاش پرورش گزینه‌های بدیل اسلام‌گرایی منهای مقاومت و عدالت در جهان نظیر مالزی و ترکیه و قطر است، از سوی دیگر نیز بی‌سابقه‌ترین فشارها و تحریم‌ها در طول تاریخ بشری علیه ملت ایران به کار گرفته می‌شود. از سبک زندگی تا الگوی پیش‌رفت دعوا سر ارائه‌ی الگوی موفق و اثبات حقانیت و کارآمدی و مقبولیت نظام اسلامی است. در این شرایط، نقش‌آفرینی جدی همه‌ی امت اسلامی و مشخصاً مردم ایران و علی‌الخصوص نخبگان پیش‌ران مثل محیط دانشجویی ضروری می‌شود. نقش‌آفرینی متفاوتی که باید به نیازها و مسائل نظام در این دوره پاسخ بگوید، زمینه‌های جهش را با توجه به کارویژه‌های خود فراهم کند و با موانع آن مقابله کند. از سوی دیگر در سیر مشخص‌شده به‌وسیله رهبر معظم انقلاب، از انقلاب اسلامی به مثابه یک پروژه پایان‌ناپذیر که در 22بهمن 1357 اولین ثمره شیرین آن محقق شده است، بعد از تثبیت و اسلامی شدن چهارچوب های کلی حکومت در قالب نظام اسلامی، پروژه ناتمام دولت اسلامی در قالب اسلامی کردن و تغییر روش و منش مسئولین، پروژه جامعه اسلامی در قالب اسلامی شدن ساختارهای مختلف حکومت و شیوه زندگی مردم برای تحقق جامعه اسلامی و حیات طیبه هستیم،تا در تداوم آن کشور و بین‌الملل اسلامی و تمدن اسلامی محقق شود. این نقش‌آفرینی ویژه، احتیاج به گامی فراتر از نقش‌آفرینی‌های عادّی و معمول دارد و به تبع پیچیده شدن شرایط و اولویت‌های متفاوت آن الزامات متفاوتی دارد. الزاماتی که در حال حاضر باید به اقتضائات بزرگ‌ترین چالش لحظه‌ی انقلاب، یعنی اقتصاد مقاومتی پاسخ بگوید و در برابر جنگ نرم دشمن بامعنای تلاش برای تغییر محاسبات مردم و مسئولین کشور و امت اسلامی در مقابل امکان مقاومت مقابل دشمن و تحقق پیشرفت در این شرایط، پاسخ بگوید و از سوی دیگر زمینه‌های به بار نشستن واقعی پیشرفت و عدالت را در دوره‌ای که محور گسترش یا محو انقلاب کبیر اسلامی است، مهیا کند. دوره‌ای که باید هم در مقابل فشار خارجی مقاومت کرد، هم باید اتفاقی که ما را به سمت درگیر شدن با مسائل اصلی کشور، تلاش برای نقش‌آفرینی بر اساس ویژگی‌های ممتاز و مزیت‌های رقابتی در جنبش دانشجوییِ دهه‌ی چهارم انقلاب کبیر اسلامی می‌کشاند. امری که بعد از حدود یک دهه رکود جنبش دانشجویی ضرورت بازخوانی و احیای دوباره‌ی آن را فراهم می‌کند و ما را به سمت پی‌گیری تخصصی مسائل نظام رهنمون می‌سازد.

* **رابطه با دولت‌ها و مسئولین**

یکی از مسائل دیگر رابطه دانشگاه با دولت‌هاست. نیازهای دهه‌های مختلف انقلاب، فضای عمومی کشور و نوع نگاه‌های مسئولین است. در دهه‌های گذشته بسته به میزان همسویی با آرمان‌های انقلاب و جهت‌گیری‌های سیاسی مسئولین و جریان‌های مختلف دانشجویی گونه‌های مختلف تعامل دانشگاه و به تبع ن فضای عمومی نسبت به مسئولین شکل‌گرفته که در اکثر موارد آسیب‌ها و ناهمخوانی های زیادی را ایجاد کرده است. مثلاً با آمدن مسئولینی که آن درجه مورد انتظار از همخوانی با آرمان‌های انقلاب در آن‌ها متصور نبوده، انفعال مطلق و سپردن عرصه عمومی به جبهه‌های غیرانقلابی یا برخوردهای تند و معارضه با دولت‌ها شکل‌گرفته که هم شائبه برخورد سیاسی و جناحی را دامن زده است، هم فرصت تمدن سازی و ایجاد ظرفیت برای نظام اسلامی را به تهدید بدل کرده است. که مهم‌ترین دلیل آن عدم وجود رویکرد درست در رابطه با مسئولین، در کارهای دانشجویی بوده است. رویکرد درست بر اساس مبنا و مسئله واقعی می‌تواند بسیاری از مسائلی از این دست را حل کندو

* **اولویت‌ها و سایر کارها**

طبیعی است، وقتی از اولویت بودن یک حوزه یا جدی‌تر بودن یک عرصه از منازعه با دشمن سخن می‌گوییم، به معنای نفی دیگر عرصه‌های منازعه و نفی فعّالیّت عده‌ای در اولویت‌های با درجه‌ی اهمّیّت کم‌تر نیست. به این معناست که ضمن انجام وظایف، چند خط جدی را باید اولویت داشته باشیم و به نتیجه برسانیم، این اولویّت حتّی خودش را در نوع کارها یا اولویت‌های دیگر نشان می‌دهند. این که رهبری در شرایط منازعه‌ی جدید تعریف‌شان از تهاجم فرهنگی و جنگ نرم را از تأثیرگذاری بر مغزها و قلب‌ها به تغییر محاسبات مردم و مسئولین تغییر می‌دهند، گویای همین مسئله است. کار فرهنگی که با مقاومت ملت ایران نسبتی پیدا نکند در این‌جا اولویّت ندارد. موضع ورود ما به مسائل جهان اسلام از منظر مقاومت مقابل نظام سلطه و هم‌افزایی در این حرکت باید متأثر باشد. الگوی عملی رهبری انقلاب و حتی توصیه‌های‌شان در این زمینه قابل استفاده‌ی جدّی است، مثلاً حتی ایشان به ائمه‌ی جماعات جهان اسلام توصیه می‌کردند آیاتی که مقابله با طاغوت و استکبار است در نمازشان استفاده کنند. غرض اینکه وقتی کشور چند اولویت مشخص دارد، ظرفیت‌ها محدود است، دیگر انجام کارهای خوب موضوعیت ندارد، باید کار با اولویت کرد. به معنی این هم نیست که حالا که مثلاً منازعه‌ی اصلی اقتصادی است همه‌ی کارها تعطیل شود، همه فقط همین‌کار را بکنند. امّا به این معنی هست که کار سیاسی و فرهنگی و مذهبی و.... این دوره باید با دوره‌هایی که موارد دیگری اولویت بود، متفاوت شود.

**فصل دوم: بررسی وضع موجود و مشکلات و آسیب‌های کارهای علمی و تخصصی تشکل‌های دانشجویی**

* **ضرورت توجه به ویژگی های ممتاز در یک تشکل دانشجویی**

وقتی از کار علمی، در یک تشکل دانشجویی یا شهری و مسجدی و ... بحث می‌شود. باید از یک سو به ماهیت آن تشکّل و اعضایش نگریست و [کارویژه‌های](http://ghiam.ir/?p=628) آن را دید، از یک سو با توجه به نیازهای مختلفی که در دانشگاه و کشور و جامعه و دنیا هست، تفاوت‌ها ویژگی‌های ممتاز و مزیت‌های رقابتی را با متولیان امر (معاونت علمی ریاست جمهوری، وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی، بنیاد ملی نخبگان، بسیج علمی و تخصصی و..... ) و گروه‌های مختلف فعال در این عرصه (کانون‌های تفکر، انجمن‌های علمی، گروه‌های تخصّصی علمی، شرکت‌های دانش‌بنیان و....) درک کرد. عدم توجه به این ویژگی‌ها موجب عدم شناخت درست وظیفه، و گرفتار شدن در آدرس‌های غلط می‌شود.

آدرس غلط، فقط به معنی انجام کار اشتباه و ضربه زننده و پر کردن پازل دشمن نیست، گاهی به معنای انجام کارهای خوبی است که حتی بعضاً کار است، کار خوب هم هست، نیازی هم از کشور و جامعه ممکن است رفع کند، امّا انجام آن کار در این شرایط زمانی و مکانی و بسته به نیازهای جامعه و توان ویژگی‌های ممتاز مجموعه‌ی مورد نظر، تکلیف نیست. تکلیف افراد، عناصر، مراکز، مجموعه‌ها و جمع‌های دیگر است، یا اولویت فرد و مجموعه نیست، یا اساساً اولویت نیست. مزیّت نسبی یا رقابتی یک تشکل دانشجویی ویژگی‌های ممتاز او، تکلیف‌های دیگری را در این حوزه ایجاد می‌کند، که افراد و مجموعه‌ها در قبال عدم انجام آن و انتخاب کارهای بی‌اولویّت ولو کارهای خوب بی‌اولویّت، مسئول‌اند.

رهبر معظم انقلاب، هم ضمن تشویق بسیج دانشجویی به ورود به جهاد علمی، نهادهای دیگر علمی را کمک‌کننده و نه رقیب آن دانستند: «جهاد علمى براى شما لازم است. بايد در ميدانهاى علم‏ وارد بشويد؛ وزارتخانه‏ها هم بايد كمك كنند؛ معاونت‌هاى تحقيقاتى هم بايد كمك كنند؛ معاونتهاى ادارى مالى دانشگاه‌ها وزارتخانه‏ها هم بايد كمك مالى كنند؛ خود سازمان مقاومت بسيج‏ هم در بخشهايى بايد كمك و پشتيبانى كند». (بيانات رهبر معظم انقلاب در ديدار با هزاران نفر از اعضاى بسيج دانشجوئى دانشگاه‌های سراسر كشور31/ 02/ 1386)

* **آدرس‌های غلط:**
  + **تفاوت وظایف علمی فردی وظایف تشکل دانشجویی**

یکی از بزرگ‌ترین آدرس‌های غلط، یک‌سان انگاری وظایف علمی فردی با وظیفه‌ی تشکل دانشجویی است. این خَلط، باعث شده، هر جا می‌خواهند معاونت علمی منصوب کنند، می‌گویند خب کی درسش از همه بهتر است، صرفاً معدل بالاها را می‌گذارند، یا کسانی که T.A.(دستیار استاد) هستند. بعد، همین آدم‌ها چون دغدغه‌ی اصلی‌شان رشد علمی فردی است، یا نگاه‌شان این است که صرفاً یک تعداد بچه‌های درس‌خوان عضو مجموعه شوند، یا صرفاً درس خواندن بچه‌ها قوی شود، یا این که بچه‌ها پروژه بگیرند و کار کنند، کلاً در تشکّل اتّفاقی نمی‌افتد. یا نگاه‌ها صرفاً به ارتقای علمی اعضای تشکل، مثلاً اعضای بسیج محدود می‌شود. منطق غلط هم اصولاً این است که اگر مثلاً ما بچه‌های‌مان به‌جای کارهای تشکیلاتی، صرفاً خوب درس بخوانند و معدل‌های بالای دانشگاه باشند، یاT.A. درس های مختلف باشند، بهترین تبلیغ است و این بچه‌ها درازمدت هم نیروهای به‌دردبخور برای انقلاب خواهند بود. نتیجه این که کارهای مجموعه هم روی هوا می‌ماند، تعدادی آدم که سابقه‌ی انقلابی و دغدغه‌مندی جدی و هزینه دادن برای انقلاب و دل‌سوز واقعی شدن را ندارند، تولید انبوه می‌شوند، (توهّم احساس ارضا و انجام تکلیف و جهاد برای انقلاب در قالب درس خواندن فردی هم برای‌شان رخ می‌دهد)، یا این که تمام ذهنیت بچه‌ها روی این می‌رود که مثلاً کلاس تقویتی، کنکور کارشناسی ناپیوسته، ارشد و دکتری برای اعضای مجموعه بگذارند، یا کلاس حل تمرین جدا برگزار کنند و.... که گاهی اوقات شرکت‌کنندگان این کلاس‌ها اعضای مجموعه هم نیستند، و مجموعه صرفاً به مرکز ارائه‌ی خدمات به دانشجویان تبدیل می‌شود و در عمل کار یک مؤسّسه‌ی کنکور را انجام می‌دهد، یا با مراکز آموزشی مثلاً کلاس‌های ISOدر مؤسسات خصوصی رقابت می‌کند! خوب‌های‌شان هم مثلاً مسابقه‌ی پل ماکارونی و پیل الکترونیکی، یا کلاس غرب‌شناسی و علم دینی برگزار می‌کنند، تازه اگر گرفتار [آدرس‌های غلط](http://ghiam.ir/?p=547) و [اولویت‌های بی‌جا](http://ghiam.ir/?p=1029) در مبارزه نشوند. مضحک‌تر آن‌که بعضی جاها حتی کار به این جا رسیده است، که مثلاً همایش ملّی آن حوزه‌ی تخصصی - که کار سازمان مربوطه‌اش هست-  را بسیج یکی از دانشکده‌های صنعتی تهران برگزار می‌کند!

* **اختراع،کنکور،المپیاد و ISI، آدرس‌های غلط علمی نظام**

نه فقط تشکل‌های دانشجویی که بدنه‌ی کارشناسی نظام و حتی مسئولین، در طول سال‌های گذشته گرفتار آدرس‌های غلط متعددی در حوزه‌ی علمی شده‌اند. تمرکز روی رتبه‌های بالای کنکور و المپیاد و اختراع و چیزهایی از جنس روبوکاپ گام اول بود. اختراع‌های متعدد صورت می‌گرفت، المپیادهای مختلف محل مسابقه شده بود، اما اتفاقی در وضعیت علمی کشور صورت نمی‌گرفت. حتی مجموعه‌های مهمّ ارزشی در کشور، همه‌ی توان‌شان را روی این حوزه گذاشته بودند، حتی جشنواره برای مخترعین حزب‌اللهی و بسیجی درست شد. یک حسینیه‌ای در منطقه‌ی 17 تهران  به اسم موسی بن جعفر (علیه‌السلام) هست که  به مسجد المپیادی‌ها معروف بود، هر سال کلی المپیادی و رتبه‌ی تک رقمی کنکور داشت، مسئولین عالی لشگری و کشوری و حتی رهبر انقلاب در دهه‌ی هفتاد با اینها دیدار داشتند. رهبر انقلاب در آن دیدار وظایف دیگری مثل کار فرهنگی را به این گروه تذکر داده بودند، کنایه از این که این همه‌ی مسیر و نقطه‌ی نهایی این کار نیست. بعد کم‌کم ان‌قلت‌هایی نسبت به این مدل پیش آمد. زمان اصلاحات یک در گام به‌پیش به میمنت افتادن معاونت وزارت علوم به‌دست رییس اسبق انجمن فیزیک - که در زمان ریاست خودش به همراه تعدادی دیگر از فیزیک‌دانان نامه‌ی ما نمی‌توانیم در انرژی هسته‌ای خطاب به رهبر معظم انقلاب نوشته بودند-  همه روی تولید مقالات و مشارکت کمّی کشور در تولید مقالات بین‌المللی و مشخصاً ISI متمرکز شدند. بعد از آن دانشگاه به سمت تولید مقاله به زبان انگلیسی جهت پاسخ‌گویی به سؤالات از اساس غربی رفت. ولی باز در فضای علمی کشور تغییر جدی ایجاد نشد. چرا؟ چون مشکل جدی وجود داشت، مسئله‌های اصلی کشور جای دیگر بود، صنعت، مدیریت، جامعه! در همه‌ی این شرایط، این آدرس‌های غلط، کارهای علمی دانشجویی را تحت تأثیر قرار داده بود.

* **كج فهمي کار تخصصی**

آدرس غلط دیگر، انجام کار تخصصی است. تشکل‌ها می‌گویند ما باید به دنبال مسائل کشور برویم و کار جدی بکنیم، می‌افتند دنبال حلّ مسائل، گرفتن پروژه و اساساً فضای دانشجویی را ترک می‌کنند، کاری را انجام می‌دهند، که وظیفه‌ی یک فرد بعد از محیط دانشجویی و دوره‌ی فارغ‌التّحصیلی است، کار تخصصی! در نتیجه رفتن به دنبال تأسیس پژوهشگاه، تمرکز و تمحّض در چند مسئله‌ی خاص، گرفتن پروژه، رقابت با شرکت‌ها و مؤسّسات خصوصی و ... اولویت پیدا می‌کند. این فضاها موجب می‌شود، افراد از فعالیت‌های عادّی تشکیلاتی کنده شوند و به‌ویژه پیدایش جذّابیّت‌های مالی و شغلی بر طبل این مسئله می‌دمد، که رانت‌هایی که ممکن است برای یک تشکل دانشجویی ایجاد شود، هم طمع این‌گونه کارها را اضافه می‌كند. رهبر معظم انقلاب با علم به این آسیب بارها به ماهیت کار بسیجی به‌ویژه در دیدار با دانشجویان بسیجی تأکید کرده‌اند: « شرط ديگر اين است كه در مقابل اين حركت و كار، از كسى مزد نخواهد. مزد، مربوط به جايى است كه كسى از بيرون به ما انگيزه مى‏دهد- اين كار را بكن، اين پول را بگير- وقتى ما از درون و عمق جان و از عشقمان انگيزه مى‏گيريم، از چه كسى مى‏خواهيم مزد بگيريم؟ مزد دادن، تحقير ماست؛ تحقير انسانى است كه از درون دارد مى‏جوشد. اين‏ها خصوصيات يك انسان بسيجى است؛ فرهنگ بسيج يعنى اين». (بيانات در ديدار دانشجويان بسيجى‏05/ 03/ 1384) هم‌چنین به حفظ ویژگی داوطلبانه بودن در بسیج تأکید کرده‌اند: «جوانان بسيجى؛ پسران و دخترانى كه سرمايه‏ى بسيار باارزش جوانىِ خودشان را به‏طور داوطلبانه‏ به ميدان آورده‏اند تا از آن براى خدا، اسلام، پيشرفت كشور و عزت ملت ايران استفاده كنند». (بيانات در ديدار اعضاى بسيج و کارکنان اداره كلّ اطلاعات استان همدان‏16/ 04/ 1383) از سوی دیگر تأسیس پژوهشگاه به مثابه محل کار به‌عنوان مقوله کار دانشگاهی و نه فعالیت دانشجویی با مسئولیت وزارتین علوم و بهداشت و نه تشکل دانشجویی از جانب معظم له مطرح‌شده است«پژوهشگاه دانشجوئى كه پيشنهاد شد، به نظر من پيشنهاد خوبى است. خوب است مسئولان وزارتهاى آموزش عالى رسيدگى كنند، بررسى كنند؛ فكر خوبى است. بگذاريم دانشجوها در اين مقوله‌ى كار دانشگاهى اگر وقت ميكنند، اگر ميتوانند، در يك مركزى به نام پژوهشگاه و پژوهشكده، فعاليتهائى را انجام دهند؛ اين ايده‌ى قابل توجهى است و ميتواند دنبال شود».( **بيانات‌ در دیدار اساتيد و دانشجويان دانشگاه‌های شيراز1387/02/14**) پس کار مزدمحور و پروژه گرفتن و... کار تشکل دانشجویی و در رأس آن بسیج نیست. افراط در این جا کار به این‌جا می‌رساند، که در مقابل این طیف، افراط‌گر طیفی تفریطی شکل می‌گیرد، که از اساس با هرگونه نگاه تخصصی به مسائل مخالف است.

* **آدرس غلطی به نام تولید علم در یک تشکل دانشجویی**

بعضی در یک مغالطه‌ی بزرگ و با ندیدن وظایف ویژگی ممتازها به دنبال تولید علم در تشکل دانشجویی هستند. به این معنا که تشکّل، خود متولّی تولید علم شود، یا صرفاً به تربیت افرادی برای این عرصه بپردازد. درحالی‌که تولید علم، اساساً یک فرآیند طولانی‌مدت است که افراد در آن به پاسخ‌های جدید برای سؤالات علمی و مسائل کشور می‌رسند و نیازمند بنیه‌ی علمی، تخصص، مطالعه‌ی متون مختلف دستاوردهای بشری، مطالعات دینی، فراهم شدن امکانات از جانب نهادهای سیاست‌گذار و حاکمیّتی مربوط به آموزش عالی و.. است که در طول دوران دانشجویی محقق نشدنی است و باید در طول حیات علم فرد که ممکن است حداقل 10-20 سال طول بکشد به ثمراتی برسد. رهبر معظم انقلاب نیز کمک به فرایند تولید علم و ایجاد نشاط و جرئت علمی را جزو مسائل وظایف مهمّ تشکل‌ها دیده‌اند، نه تولید علم که ماهیتی نخبگانی و طولانی‌مدت دارد: «تشکل‌های دانشجوئى مواظب باشند هدف‌هايشان را گم‏ نكنند. هدف‌هاى اصلى تشکل‌های دانشجوئى همان چيزهائى است كه بر روى طاق بلند جنبش دانشجوئى نوشته شده: ضديت با استكبار، كمك به پيشرفت كشور، كمك به اتحاد ملى، كمك به پيشرفت علم، حضور و شركت در مبارزه و پيكار همگانىِ ملت ايران براى غالب آمدن بر توطئه‏ها و بر دشمنى‏ها». (ديدار اساتيد و دانشجويان در دانشگاه علم و صنعت‏24/ 09/ 1387) حتّی در هنگام برگزاری اوّلین نشست اندیشه‌های راهبردی به جادّه‌سازی برای تولید علم در کشور با این کار و نه تولید علم در قالب آن تأکید کردند، و نیز در سخنانی دیگر به ثمره نشستن نهضت تولید علم را یک فرآیند پنجاه ساله اعلام کردند. از سوی دیگر مهم‌ترین بخش فرآیند تولید علم بومی و دینی فهم مسئله است که این فهم نیاز به‌پیش‌زمینه‌های جدی درگیر شدن با مسائل کشور، نگاه از بالا پیدا کردن به آن، یافتن ضعف‌ها و نقاط حاصل از ندانستن، نتوانستن و نخواستن و ارائه‌ی پاسخ‌های جدید بر این مبنا است، امّا در نگاه‌های انتزاعی موجود، اساساً مورد غفلت واقع شده است.

* **موازی‌کاری، بخشی نگری یا جزو پازل نهادها و مراکزی که وظیفه انجام مسئله‌ای را دارند**

بعضی تشکل‌ها به کارهایی ورود می‌کنند که نهاد مسئولی موظف به انجام آن است. به بهانه‌ عدم انجام وظیفه به‌وسیله نهاد مذکور به دنبال انجام وظیفه آن می‌روند. جایی که باید روند انجام یک مسئله در کشور اصلاح شود، صرفاً با ورود موردی کاری انجام می‌دهند که بخش کوچکی پازل کلی است، که باید انجام شود. یا گاهی به سراغ مسئول یا واحدی می‌روند، مسئول مورد نظر بدون توجه به مدیریت کلان مسائل بخشی را به تشکل یا مجموعه‌ای می‌سپارد و آن مجموعه هم بی‌توجه به وظایف اصلی خود به دنبال انجام آن می‌رود. مثل امام‌جمعه‌ای که به‌جای مدیریت فرهنگی صحیح در شهر از طریق تشکیل شورای فرهنگ عمومی و درگیر کردن نهادهای مسئول و ظرفیت‌های مردمی و نخبگانی که جزو مطالبات رهبری از دوره ریاست‌جمهوری‌شان بوده است، کار فرهنگی روی جوانان را با شکل دادن صرف یک جلسه گفتگوی صمیمانه با جوانان برای خویشتن محدود می‌کند. یعنی به‌جای این که همه ظرفیت‌ها را فعال کند که روی جوانان کار کنند، خودش کاری انجام می‌دهد که احساس کند تکلیفش را انجام داده است.

* **درگیر کردن همه ظرفیت‌ها در جایی که تکلیف نیست**

در کشور ما با مسائل مختلف و گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف مواجهیم، ظرفیت‌های ما نیز محدود است. عدم توجه به این مشکلات و اولویت‌ها باعث می‌شود، که ناگهان با بخشی‌نگری همه تخم‌مرغ‌ها در یک سبد بدون توجه به اولویت‌ها گذاشته شوند. ظرفیتی که باید در کشور در حوزه‌های مختلف به کار گرفته شود و جهش ایجاد کند، به درگیر چند مسئله محدود شدن تنزل می‌یابد.

* **آسیب‌های عدم انجام وظیفه:**
  + **بی‌توجهی به تفاوت‌ها**

از این سو آسیب‌های زیادی نیز به این مدل غلط بار شده است. یکی از این آسیاب‌ها جدا بودن حوزه‌ی فعالیت‌های اعضای یک تشکّل از رشته‌های تحصیلی آن‌ها و تبدیل‌شدن کارهای دانشجویی به کارهایی روتین است. مثلاً تشکل دانشجویی دانشکده‌ی فنّی همان‌ کاری را می‌کند، که تشکّل دانشجویی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی می‌کند، بسیج دانشجویی دانشکده‌ی زبان‌های خارجی همان کاری را می‌کند، که دانشجوی دانشکده‌ی اقتصاد می‌کند، بسیج دانشجویی دانشکده‌ی تربیت‌بدنی همان کاری را می‌کند که دانشکده‌ی علوم اجتماعی می‌کند. نتیجتاً کار تشکیلاتی به یک سری کار روتین بی‌ربط به مسائل کشور و جامعه تبدیل می‌شود، افراد از آمدن و درگیر شدن در آن ابا می‌کنند، پس از پایان این فعالیت‌ها هم چیزی برای آن‌ها نمی‌ماند. در نتیجه چون کار جدی هم نمی‌شود، کسی هم جنبش دانشجویی را جدّی نمی‌گیرد.

* **آسیب قطعه‌قطعه شدن فعالان دانشجویی**

در نتیجه فعالان دانشجویی مصداق «یؤمنون ببعض و یکفرون ببعض» می‌شوند. بر همین مبنا در مجموعه‌های دانشجویی تعدادی نیروی سیاسی پیدا می‌کنیم، که تنها کارشان پی‌گیری دعواهای سیاسی مسئولین و جناح‌ها با یکدیگر است، یک قشر افرادی که فقط به دنبال درس خواندن یا پروژه گرفتن هستند، بخشی هم به دنبال کارهای فرهنگی دور از مسائل کشور و بی‌ربط به حوزه‌های تخصصی‌شان. تشکل دانشجویی هم از نقش‌آفرینی درست در مسائل کشور باز می‌ماند و دچار روزمرگی یا پیاده‌نظامی مجموعه‌های سیاسی و امنیتی و.... می‌شود.

* **آسیب ناامیدی از حوزه‌ی تخصصی و** [**تغییر رشته**](http://www.edalatkhahi.ir/004812.shtml)

از سوی دیگر وقتی آرمان‌گرایی و کارهای انقلابی از حوزه‌ی تخصصی افراد جدا شد، فرد دچار تضاد و دوگانگی شده و نسبت به حوزه‌ی تخصصی خویش احساس بی‌معنایی می‌کند. چرا که آرمان‌گرایی به نوع خاصی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی منتسب می‌شود و فرد با انگیزه‌های انقلابی و دینی احساس می‌کند که رشته‌ی تحصیلی مانع از زندگی آرمانی اوست و به نیازهای تربیتی، انقلابی و معرفتی او جامعه‌اش پاسخ نمی‌گوید. لذا یا از فضای درس، به کلّی فاصله می‌گیرد، یا این که به سراغ رفتن به سمت رشته‌های مرتبط با این دغدغه‌ها یا رشته‌های علوم انسانی و اسلامی و حتّی طلبه شدن می‌رود.

* **وضعیّت نا به سامان‌ترِ علوم انسانی**

وضعیّت رشته‌های علوم انسانی از همه نا به سامان‌تر است. چرا که علاوه بر مشکلات ذکرشده، با مشکل ناسازگاری علوم انسانی موجود با اندیشه‌های دینی و اقتضائات بومی مواجه می‌شود. علاوه بر ناامید شدن افراد از پی‌گیری جدی رشته‌ی خود به خاطر انحرافات موجود، ترس از انحراف با خواندن علوم انسانی و نیز بی‌نتیجه بودن تحصیل علوم انسانی به لحاظ شغلی در جامعه‌ی ایران امروز، بسیاری از حرکت‌های علمی صرفاً به نفی علوم انسانی موجود، کلاس‌های غرب‌شناسی اکثراً نامنطبق بر [نگاه مکتب معیار انقلاب به غرب](http://ghiam.ir/?p=519)، کلاس‌های کلی‌گویی آشنایی با علم دینی و بحث در باب ضرورت و امکان آن و در نهایت آمار بسیار بالای طلبه شدن دانشجویان علوم انسانی انقلابی یا ترک تحصیل در مقاطع عالی رو به رو می‌شود.

* **عدم توانایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای کشور**

به فرض عدم تحقّق همه‌ی آسیب‌های ذکرشده و ذکر نشده نیز، چنین فردی از پاسخ‌گویی به نیازهای کشور ناتوان است. بسیاری از مسائل در کشور وجود دارد که مشکل تئوریک جدی ندارد، حاصل ندانستن‌ها، نتوانستن‌ها و نخواستن‌هاست که باید افرادی که از کلّیّت نیازهای آن حوزه باخبرند، مسئولان امر را متوجه مسئله کنند، یا با مطالبه و پی گیری وی را به انجام آن مجبور کنند، یا در صورت ناتوانی فرد را مجبور به تغییر رویه بنمایند. خود فعالان دانشجویی نیز به دلیل عدم آشنایی با نیازهای کشور، نمی‌توانند مسیرهای تخصصی خویش را در تحصیلات تکمیلی بیابند، پایان‌نامه‌ی مرتبط با این نیازها تعریف کنند، طبعاً به دلیل عدم تخصّص و اطلاع از اقتضائات عرصه‌ی اجرا در حوزه‌ی معیشتی نیز ویژگی ممتازی ندارند. در بسیاری موارد بعد از یک دوره‌ی فعّالیّت دانشجویی تنها با احساس خسران مواجه می‌شوند،که دیگرانی که این کارها را نکرده‌اند، از آن‌ها در حوزه‌ی کاری‌شان جلوترند و نسل‌های بعدی را به عدم طی کردن مسیر خود توصیه می‌کند. این افراد اگر با قالب رایج دانشگاهی اساتید انتزاعی بزرگ‌شده بر اساس چارچوب ISI و مقاله‌نویسی نامرتبط با اقتضائات کشور رشد کرده باشند هم در بهترین حالت به یک متخصّص انتزاعی تبدیل می‌شوند که جز تدریس در دانشگاه و تکرار آموخته‌های نامرتبط با مسائل کشور، هیچ‌کاری از دست او برنمی‌آید.به تعبیر رهبر معظم انقلاب (در دیدار نخبگان علمی در 12/07/91) : «تلاش خودتان را معطوف به نيازهاى كشور كنيد. البته در بيانات دوستان هم هست؛ در ديدارهاى دانشجوئى و دانشگاهى هم كه من ماه رمضان و غير ماه رمضان گاهى داشتم، اين را تكرار ميكنند؛ اما بايد اين تحقق پيدا كند، بايد عملى شود. الآن به ما گزارش ميدهند كه هفتاد درصد مقاله‌هاى علمى ما ناظر به نيازهاى كشور نيست. نميدانم چقدر اين آمار دقيق است، اما به من اينجور گزارش ميشود. اين همه شما زحمت بكشيد، مقاله‌ى علمى تهيه كنيد، از اين مقالات علمى سى درصد ناظر به نيازهاى كشور باشد، هفتاد درصد نه! خب، انسان احساس خسارت ميكند. بايد صد درصد كار علمى، تلاش علمى، تهيه‌ى مقاله‌ى علمى ناظر باشد به نيازهاى شما.» آماده کردن خود برای پاسخ‌گویی به نیازهای کشور در آینده از دل درگیر این اقتضائات بودن می‌گذرد و به درد مملکت خوردن بدون توجه به نیازهای فعلی آن توهمی بیش نیست.

**فصل سوم: چه باید کرد؟**

در این جا وقتی می‌خواهیم الگو نسخه‌ی درستی از کار علمی و تخصّصی یک تشکل دانشجویی ارائه دهیم، ضرورت دارد هم به ویژگی‌های ممتاز اعضای تشکل دانشجویی و کارویژه‌های آن نگاه کنیم و هم الزاماتی را لحاظ کنیم که فعّالان دانشجویی بعد از پایان این دوره بتوانند به‌عنوان نیروهای مؤثّر در عرصه‌های تخصّصی واقعی به فعالیت خودشان ادامه بدهند، و در هر دو دوره‌ی فعالیت دانشجویی و فارغ‌التحصیلی به‌صورت واقعی به نیازی از نیازهای نظام و جامعه پاسخ‌گویی کنند.

* **ابعاد مختلف زندگی یک فعال دانشجویی**

یک فعال دانشجویی علاوه بر مسائل رایج زندگی با چهار بعد محوری و مهم رو به رو است.

* کار علمی در معنای وظایف درسی و علمی شخصی مربوط به حوزه‌ی تخصصی و رشته‌ی تحصیلی فرد.
* کارهای آموزشی و تربیتی در معنای کارهای مطالعاتی، تربیتی و کسب توانمندی‌ها .
* کار انقلابی در معنای خاصّ فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و تشکیلاتی (نه معنای عام انقلابی که شامل همه‌ی زندگی فرد است و به معنای سبک زندگی جهادی است.)
* کار معیشتی (که در دوره‌ی فعّالیّت دانشجویی اصولاً برای بسیاری از برادران و تقریباً برای اکثر قریب به اتفاق خواهران مطرح نیست.)

هر گونه برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی برای هر بعد از این وظایف، نباید به گونه‌ای باشد که برنامه‌ریزی برای سایر ابعاد را با مشکل مواجه کند، به‌ویژه آن که در رجوع به سخنان [امام خمینی](http://ghiam.ir/?p=1168) (سلام‌الله‌علیه)و امام خامنه‌ای [وظایف متعددی برای تشکل‌های دانشجویی](http://ghiam.ir/?p=669) مثل [بسیج دانشجویی](http://ghiam.ir/?p=987) می‌یابیم. البتّه ضریب و میزان هر یک از این چهار حوزه در دوره‌های مختلف کشور و زندگی فرد، ممکن است تغیر کند. اما این نگاه کلّی دایره و میزان عمیق هر یک از این حوزه‌ها را مشخص می‌نماید. طبیعی است با این نگاه، تعریف هر فعّالیّتی، نباید مانع انجام وظایف دیگر تشکل دانشجویی باشد.

**مسائل زندگی**

* **گره زدن ابعاد مختلف زندگی دانشجویی و مأموریت‌های یک تشکل دانشجویی**

بر اساس وظایف مطرح‌شده از جانب رهبران انقلاب اسلامی، باید برنامه‌های یک تشکل دانشجویی حتّی‌المقدور به گونه‌ای باشد که فرد بر اساس وقت و شرایط محدود بتواند به گونه‌ای ابعاد مختلف زندگی خود را به هم گره بزند، و بتواند فراتر از موارد کلی در موارد تخصصی‌تر به نقش‌آفرینی و فعّالیّت بپردازد، و بر اساس حوزه‌های تخصصی فعالیت خود، به نیازهایی از کشور و انقلاب پاسخ بگوید. در حقیقت این نگاه متضمّن تلفیق وظایف علمی، وظایف انقلابی و حوزه‌ی رشد و آموزش فرد است. علاوه بر نسبت یافتن حوزه‌ی تخصّصی درسی با کارهای انقلابی و آموزش پیدا کردن در حین فعّالیّت‌ها موجب می‌شود فعال دانشجویی هم به پاسخ‌گویی به نیازهای نظام در حوزه‌ی تخصصی خویش بپردازد و از ظرفیت‌های ویژه‌ی محیط دانشجویی برای پیش‌برد انقلاب استفاده کند، هم در انتهای دوره‌ی فعالیت دانشجویی خویش نگاه جدی به نیازهای کشور در حوزه‌ی تخصصی خویش داشته باشد، و بتواند مسیر آینده‌ی علمی خویش را در این راستا برنامه‌ریزی کند، هم داشته‌هایی جدّی برای سامان‌دهی مسیر معیشتی زندگی خویش بر اساس نگاه کسب‌شده در دوره‌ی فعالیت‌های دانشجویی داشته باشد.

* **وظایف یک تشکل دانشجویی**

یک تشکّل  دانشجویی یا بسیج دانشجویی، مجموعه‌ای از دانشجویان مسلمان پیش‌رو، داوطلب و آماده‌ی برای حضور در عرصه‌ها و پاسخ به نیازهای انقلاب، جامعه و امت اسلامی و مقابله‌ی با دشمنان آن‌ها مبتنی بر اخلاص و معنویّت، علم و آگاهی ویژه‌ی محیط دانشگاهی، روشن‌بینی و بصیرت و داشتن تحلیل صحیح بدون درخواست مزد و با توان، نشاط و قدرتِ نََوَردیدنِ راه‌های دشوار است. صحبت‌های رهبری و امام را که نگاه کنیم، مجموعه‌ای از  پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی علمی، سیاسی، فکری، فرهنگی و.... از فضای  تربیتی تا  اصلاح نظام و رفع نیازمندی‌های اساسی انقلاب و نظام را در برمی‌گیرد. حتّی تفکّر برای تشکیل حکومت بزرگ اسلامی و زمینه‌سازی تمدّن اسلامی، آماده‌سازی دانشجویان برای شرکت در پیشرفت مادّی و معنوی کشور هم جزو آن‌هاست. یکی از بخش‌های این منظومه‌‌ی بزرگ هم نقش‌آفرینی در جهاد علمی و نهضت تولید علم و جریان‌سازی و مطالبه‌ی رشد علمی و ایجاد جرئت و زمینه‌سازی ایجاد قدرت علمی در دانشگاه‌هاست.

یعنی نه می‌توان مسئولیّت‌های یک تشکّل دانشجویی مثلاً بسیج را صرفاً مانند تشکلی مثل انجمن علمی به انجام فعّالیّت‌هایی مرتبط با حوزه‌ی تخصصی (نقش‌آفرینی تخصصی) فروکاست. نه می‌توان، یک تشکل را صرفاً مسئول رشد فردی اعضای آن دانست. باید در کلان مجموعه، جامعیّت فکری و فرهنگی و سیاسی و علمی، عقلانیت-معنویت-آرمانخواهی را حفظ کرد، برنامه‌ریزی‌ها هم به گونه‌ای باشد که در حوزه‌ی فردی، افراد ضمن داشتن زمینه‌ی رشد اخلاقی و فکری، انجام کارهای انقلابی به کارهای علمی خود نیز اهتمام بورزند و حتی این کارها را به هم پیوند بزنند.

وظیفه یک تشکل دانشجویی هم باید واقعی دیده شود. مثلاً زمینه سازی ظهور امام زمان(عج) وظیفه هر جوان مسلمان یا وظیفه جمهوری اسلامی است. تربیت نیرو برای جمهوری اسلامی وظیفه کلان نظام آموزش عالی است. وقتی نگاه این شود، و این که تشکل دانشجویی برای امروز نظام و انقلاب هم وظایفی دارد، خیلی متفاوت است از این که وظیفه وزارت علوم و بهداشت و .... کل نظام آموزشی ما وظیفه‌اش این است. اثرش کجا دیده می‌شود؟ این‌که بین این‌که رویکردیک تشکل تربیت آدم‌ها برای نقش‌آفرینی در سیاست‌گزاری و یا چهره‌ی علمی جدی شدن در یک تشکل دانشجویی باشد، و کم‌تر درگیر پی‌گیری مسائل اکنون نظام و انقلاب باشد، تا این‌که الان وظیفه فهم و درک مسائل و گفتمان‌سازی و پی‌گیری و حضور فکری و فیزیکی در مسائل در یک تشکل اصل به شمار بیاید.

* **ویژگی‌های خاصّ محیط و فعالیت دانشجویی و وظایف مرتبط با مسائل نظام و فضای علمی**
  + **آرمان‌خواهی**

مهم‌ترین ویژگی‌های محیط دانشگاه، ارتباط با محیط علم و معرفت از یک‌سو عدم داشتن تعلقات زندگی به انجام یک شغل معیّن و.... و روحیه‌ی آرمان‌خواهی حاصل از آن است. به تبع عدم داشتن مسئولیت شغلی و اجتماعی معین (به‌صورت عمومی)، فرد از حرّیّتی برخوردار می‌شود، که می‌تواند آرمان‌خواهانه به سراغ تغییر وضعیت موجود به سمت وضع مطلوب برود. از سویی به تبع اقتضائات این محیط، درگیر اقدام نیست. لذا می‌تواند با درک کلی پیدا کردن از مسائل، به سمت فهم و فضاسازی حول نیازهای اصلی و گفتمان‌سازی برود، و ذهن و عمل هم‌نسلان خویش (دانشجویان)، محیط دانشگاهی (اساتید و....)، رسانه‌ها، مسئولین و مردم را به سمت آرمان‌ها و نیازها و مسائل هر حوزه‌ی تخصصی متوجه کند، مسیر آینده‌ی زندگی خویش را نیز بر اساس این آرمان‌ها و این نیازها تنظیم کند. فرآیندی که از اقدام مستقیم اثرگذارتر است. یعنی فرآیند تبدیل آرمان‌های کلی اسلامی مشخص‌شده به‌وسیله‌ی رهبری دینی و چارچوب‌های پایه‌ی نظام اسلامی مثل قانون اساسی به شاخص‌های حوزه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. این کارویژه حتی از اقدام مستقیم یک دانشجو حتّی مسئول نیز مؤثرتر است، چرا که فضایی را به وجود می‎‌آورد، که همه‌ی مسئولین و پژوهشگران و مردم و رسانه‌ها و .... در آن بیندیشند. این اثرگذاری از جانب تشکل‌های دانشجویی به حدّی بوده که حتی گفتمان عمومی کشور دو بار در دهه‌ی هفتاد و دهه‌ی هشتاد با اقدامات جنبش دانشجویی به آزادی و عدالت تغییر یافت.

* + **گفتمان سازی راه اصلی اثرگذاری جنبش دانشجویی**

امام خامنه‌ای  نیز بر این مسئله صحه می‌گذارند: «فكر شما و كارى كه كرديد و راه نوئى كه پيدا كرديد، پيشنهادى كه به نظرتان رسيده، تأثيرگذارى‌اش فقط اين نيست كه اين فوراً به‌دستگاه اجرائى منتقل بشود و فوراً يك ترجمه‌ى عملياتى بشود و اجرائى و عملياتى شود؛ نه، اين تنها تأثير نيست. يكى از مهم‌ترین تأثيرات همين فكر كردن‌ها اين است كه شما فضاسازى مي‌كنيد، گفتمان‌سازى مي‌كنيد. در نتيجه، در يك فضاى معتقد به يك مبناى فكرى يا عملى، رئیس‌جمهور هم همان جور فكر مي‌كند، وزير هم همان جور فكر ميكند، مديركل هم همان جور فكر مي‌كند، كاركنان هم همه همان جور فكر ميكنند؛ اين خوب است. و شما اين كار را انجام ميدهيد. فكر كنيد، بگوئيد، بنويسيد، در مجامعِ خودتان منعكس كنيد؛ آن كرسى‌هاى آزادانديشى را كه من صد بار - با كم و زيادش - تأكيد كردم، راه بيندازيد و اين‌ها را هى آن‌جا بگوئيد؛ اين مي‌شود يك فضا.وقتى يك فضاى گفتمانى به وجود آمد، همه در آن فضا فكر مي‌كنند، همه در آن فضا جهت‌گيرى پيدا مي‌كنند، همه در آن فضا كار مي‌كنند؛ اين همان چيزى است كه شما مي‌خواهيد. بنابراين اگر چنان‌چه اين كارى كه شما مثلاً در فلان نشست‌تان، در فلان مجموعه‌ى دانشجوئى‌تان كرديد، فكرى كه كرديد، ترجمه‌ى عملياتى نشد، به‌صورت يك قانون يا به‌صورت يك دستورالعمل اجرائى درنيامد، شما مأيوس نشويد؛ نگوئيد پس كار ما بى‌فايده بود؛ نخير. و من به شما عرض بكنم؛ در اين پانزده شانزده سال اخير، همين حركت علمى‌اى كه آغاز شده، همين جور آغاز شده؛ همين جور امروز علم شده يك ارزش؛ چند سال قبل اينجورى نبوده. ما همين طور روزبه‌روز هى پيش رفتيم». (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعى از نخبگان و برگزیدگان علمى 1390/07/13)

* **تصمیم‌سازی و نه تصمیم‌گیری**

بر این مبنا رهبر انقلاب به ضرورت تصمیم‌سازی و پرهیز از ورود به تصمیم‌گیری و اقدام و ایفای نقش متناسب با ویژگی‌های ممتاز محیط دانشجویی توصیه کرده‌اند: «توانائی تصمیم‏سازی خیلی خوب است. بگذاریم دانشجو با فكر خود، با زبان باز خود، با تعلق كم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‏سازی كند. تصمیم‏سازی كنید، گفتمان‏سازی كنید. این، مجری و مسئولین اجرائی را می‌كشاند دنبال این تصمیم و تصمیم‏گیری خواهند كرد و عمل خواهد شد». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز- 14/2/1387)

«گفته شد توانائى تصمیم‌سازى و تصمیم‌گیرى. اینجا من این مطلب را پرداخت كنم. توانائى تصمیم‌سازى خیلى خوب است. توانائى تصمیم‌گیرى یكى از مشكلاتى است كه اگر وارد محیط دانشجوئى شد، خیلى از هنجارهاى مطلوب و درست را به هم خواهد زد؛ این تجربه‌ى ماست.  بگذاریم دانشجو با فكر خود، با زبان باز خود، با تعلق كم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازى كند. تصمیم‌گیرى را بگذاریم كسى بكند كه بتوان از او سؤال كرد و او مسئول و پاسخگو باشد. بنابراین دنبال این نباشیم كه محیط دانشجوئى، محیط تصمیم‌گیرىِ براى اقدام باشد؛ این نه به نفع دانشجوست، نه به نفع آن اقدام. دنبال این باشیم كه محیط دانشجوئى تصمیم‌سازى كند؛ یعنى گفتمان‌سازى كنید. این، مجرى و مسئولین اجرائى را می‌كشاند دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیرى خواهند كرد و عمل خواهد شد». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های كشور-۱۳۸۶/۰۲/۳۱)

* **تلاش برای اصلاح سازوکار نه اقدام و درگیر حل مسئله شدن**

باید توجه کرد که قبل از این که یک مسئله یا مشکل یا تصمیم‌گیری خرد در کشور محقق شود، لایه‌های پسینی وجود دارد که باید به سراغ آن‌ها رفت. لایه‌های اصلی که ضرورت گفتمان‌سازی را مطرح می‌کند، لایه‌ی گفتمان در معنای جهت‌گیری‌های کلان در تصمیمات و ساز و تشخیص از مسائل کشور است. این جهت‌گیری‌ها و تشخیص از مسائل است، که تصمیمات را شکل می‌دهد. مدیریت‌های میانی کشور ما در طول سال‌های گذشته ثابت بوده‌اند، تغییر جهت‌گیری‌های کلان به‌ویژه در مدیریت اجرایی کشور این بدنه را به تغییر جهت‌گیری واداشته است. مثلاً بدنه سازمان مدیریت و معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری ثابت بوده‌اند، با تغییر گفتمان کشور به عدالت و استکبارستیزی در دهه شصت، رشد و توسعه منهای عدالت در دهه هفتاد، آزادی و توسعه سیاسی در میانه دهه هفتاد، عدالت اجتماعی و تمرکززدایی در دهه هشتاد، همین جهت‌گیری‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و به تبع آن تصمیمات خرد، اعمال شده است.

بسیاری تصمیمات خرد نیز از سیاست‌گذاری‌ها متأثر است. مثلاً کشور ما با یک سیاست‌گذاری تغییر سازوکار ارتقای اساتید و ضریب یافتن مقالات در دهه هفتاد، در شاخص‌های جهانی تولید علم که به میزان چاپ مقالات در ژورنال‌های بین‌المللی ربط داشت، تغییر یافت. یعنی سیاست‌گذاری و تغییر سازوکارهاست که در حل مسائل کشور جهش ایجاد می‌کند.

سطح سوم نحوه تشخیص از مسائل کشور است، این که موردی مثل تورم، اسلامی کردن دانشگاه، ریشه‌های فقر و بی‌حجابی چگونه فهم می‌شود، در چگونگی رسیدن به برنامه‌ها و تصمیمات درون کشور تأثیر جدی می‌گذارد، و برنامه داشتن برای آن‌ها فرع بر آن است. این جاست که اثرگذاری جنبش دانشجویی در هر سه سطح یک اثرگذاری ویژه می‌شود، تغییر جهت‌گیری‌ها، اصل کردن تغییر سازوکارها و سیاست‌گذاری‌ها و اصلاح نگرش‌ها و تشخیص‌ها از مسائل.

* **ضرورت مطالبه داشتن و پی‌گیری آرمان‌ها**

از سوی دیگر در این نگاه، مدعا داشتن و مطالبه گری لازم، مصداق جدّیّت و به بار نشستن آرمان‌هاست: «نفس اينكه شما مى‏آييد اينجا و اين فكر را در فضاى كشور و جامعه پرتاب مى‏كنيد - كه منعكس هم خواهد شد- مهم‌ترین مسئله است و مطلبى است كه ما به آن احتياج داريم. ما مى‏خواهيم جوان ما احساس كند كه بايد فكر كند و بايد اين فكر را مطرح و آن را مطالبه نمايد. نمى‏خواهيم كارِ نمايشى كنيم و نيازى هم به كارِ نمايشى نداريم؛ امّا به اين‌كه جوان ما- به خصوص مجموعه‏ى دانشجويى كه در سطح كشور بسيار گسترده وسيع است- اين احساس را در خودش تقويت كند كه در آينده‏ى كشور نقش و مسئوليت دارد و بايد تعهّدى در اين زمينه در خود احساس و براى آن تلاش كند، نياز داريم.

من همين‏جا يك نكته‏ى اساسى را...مطرح مى‏كنم و آن، اين است كه ما از جوانان عزيزمان- چه دختران و چه پسران- توقّع داريم كه در مورد مسائل اساسى كشور، جدّى باشند و جدّى برخورد كنند. پيشنهاد مى‏كنم روى اين مسئله‌ی «جدّى بودن» فكر كنيد، بعد خواهيد ديد خيلى از كارهايى كه در گوشه و كنار انجام مى‏گيرد، ناشى از جدّى نبودن است….همه‏ى اين حركت‌ها براى ماندگارى و عمق‏يابى، پشتوانه مى‏خواهد، كه آن پشتوانه‏ى مطالبه و خواست، شما هستيد. منظور از خواست و مطالبه هم اين نيست كه انسان مشتش را گره كند و مسئله‌ای را بخواهد؛ نه، بلكه بدانيد كه اين مطالبه و خواسته لازم است و باور كنيد كه اين نيازى قطعى و حياتى براى كشور و جامعه است. نفس اينكه شما اين موضوع را باور كنيد، مهم‌ترین مطالبه است و اثر خود را در حرف، كار، تعامل، جبهه‏گيرى سياسى و حركت دينى و مردمى شما مى‏گذارد....وقتى در يك مجموعه باور به وجود آمد، اين باور پشتوانه‏ى حركتِ ماندگار و پايدار خواهد بود. ما اين را مى‏خواهيم. من مى‏گويم در اين قضيه شما بايد جدّى باشيد؛ نبايد مسائل كشور و آينده را به بازيچه گرفت». (بيانات در ديدار جمعى از اعضاى تشکّل‌ها، کانون‌ها، نشريات، هیئت‌های مذهبى و شمارى از نخبگان دانشجويى‏ 15/ 08/ 1382)

«جوانهاى ما، دانشجویان ما در زمینه‌ى مسائل گوناگون - چه مسائل دانشگاهى، چه مسائل سیاسى، چه مسائل اجتماعى - نظراتى دارند، مطالباتى دارند، مدعا دارند؛ این براى من جالب است. من بارها گفته‌ام؛ از آن روزى باید ترسید كه جوان ما، دانشجوى ما در دانشگاه انگیزه‌ى طرح مسئله، طرح سؤال، طرح درخواست نداشته باشد. همه‌ى همت ما باید این باشد كه این روحیه‌ى مطالبه، خواستن و مدعا داشتن در زمینه‌هاى گوناگون را در نسل جوان كشورمان - بخصوص جوان علمى - گسترش بدهیم». (دیدار با دانشجویان 86/7/17)

* **ضرورت حضور فکری  و فیزیکی در مسائل كشور**

از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب، علاوه بر تأکید به ضرورت تحلیل و موضع داشتن در مسائل کشور («مسائلى كه با سرنوشت كشور ارتباط پیدا میكند، حتماً تحلیل و موضع داشته باشید». (بيانات امام خامنه‌ای در ديدار دانشجويان 1389/05/31))

به ضرورت حضور فکری و فیزیکی در مسائل کشور و استفاده‌ از ابزارهای خاصّ محیط دانشجویی تأکید کرده‌اند: «حضور فیزیكى و فكرى در مسائل عمومى كشور از سوى مجموعه‌ى دانشجوئى حتماً لازم است. هم حضور فكرى لازم است؛ باهمین رسانه‌هاى دانشجوئى، با اجتماعات دانشجوئى، با اظهاراتى كه اینجا و امثال اینجا ممكن است بكنید، با ارائه‌ى نظراتتان به‌دستگاه‌هاى ذى‌ربط وزارتهاى مربوط هم حضور فیزیكى لازم است؛ گاهى باید در یك اجتماعى شركت كنید». (دیدار با دانشجویان 91/5/16)

«جوان باید مطالبه كند، باید احساس كند كه این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس كند كه او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب كردن یك شعار نیست، كه بگوید خوب، ما كار خودمان را كردیم؛ نه، پیگیرى كردن، مطالعه كردن، درباره‌ى مسئله اندیشیدن، آن را پخته كردن، راهِ كارِ اجرائى را براى آن جستجو كردن، براى طرحش با مراكز دست‌اندركار و مجرى تلاش كردن و فعّالیّت كردن و بالاخره خود وارد میدان كار شدن، اینها جزء وظایف و تكالیف جوان ماست كه این را هم بایستى جوان ما درك كند؛ در كنار آن مطالبه و طلبگارى و مدعا داشتن كه عرض كردیم». (بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامى در ديدار دانشجويان نخبه، برتران كنكور و فعالان تشکل‌های سياسى فرهنگى دانشگاه‌ها 17/ 07/ 1386)

* **آسیب‌های فقدان گفتمان سازی**

گفتمان‌های موجود در جامعه است که جهت‌گیری های اصلی حکومت را تعیین می‌کند. بدنه‌های میانی و کارشناسی دولت‌ها در طول تاریخ انقلاب ثابت بوده‌اند. اما با عوض شدن این گفتمان‌ها بوده است که برنامه‌های مختلفی از دل آن‌ها بیرون آمده است. اگر این فضا نباشد، رسانه‌ها، سیاسیون، رسانه‌های بیگانه، روشن‌فکران و.... برای جامعه و دولت فضا می سازند، یا مسئولین روزمره و بی‌توجه به نیازهای اصلی جلو می روند یا گفتمان‌های ارتجاعی جایگزین می‌شود، یا نیازهای کاذب جایگزین نیازهای اصلی شده و خطوط اصلی نظام و مطالبات مردم و رهبری در پیچ و خم دعواهای سیاسی گم شده یا ذیل گفتمان‌های دیگر جایابی شوند. مثلاً در فضای منتهی به انتخابات 92 دانشگاه کمترین نقش و گفتمان سازی را داشت. دانشجویان از طیف های مختلف و مشخصاً جبهه انقلاب – به‌جز حلقه‌های معدودی - به‌جای گفتمان سازی، به صرف موضع‌گیری سیاسی در دفاع و نفی چند کاندیدا پرداختند، گفتمان‌های انتخاباتی از درون دانشگاه نجوشید و دانشگاه پشت سر سیاسیون نه به‌صورت فضاساز قرار گرفت.

* **پی‌گیری تخصصی مسائل نظام**

در یک تشکل دانشجویی بسته به اقتضائات محیط دانشگاه و مسئولیت‌های فردی اعضا نه باید به دنبال کار تخصّصی بود و نه کارهای بدون ارتباط با مسئولیت‌های تشکل، صف نقش‌آفرینی تخصصی نیز در این چارچوب راهگشا نیست.(صرف انجام حرکتی تخصصی یا رفتن به سراغ یک مشکل خرد با کمیت و کیفیت محدود نیرو زمان، اولویت نیست). اقدام نیز در وظایف یک تشکّل دانشجویی نمی‌گنجد. تولید علم نیز اساساً کار یک تشکل دانشجویی نیست. باید ویژگی‌های دانشجو جنبش دانشجویی را دید و این ویژگی‌ها را با ویژگی‌های دوران‌های دیگر زندگی فرد اشتباه نگرفت: «دانشجو عنصرى است كه متعلّق به همين فضاست. شما هم وقتى‏كه بيرون رفتيد، ديگر دانشجو نيستيد؛ يكى ديگر جاى شما مى‏آيد و او اين خصوصيات را پيدا مى‏كند». (بيانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجويان دانشگاه تهران‏ 22/ 02/ 1377) در این جاست که پی‌گیری تخصصی مسائل نظام به‌عنوان کارویژه و مأموریت یک تشکل دانشجویی در دهه‌ی عدالت و پیشرفت معنا می‌یابد. پی‌گیری، متضمّن شناخت مسائل واقعی آن حوزه‌ی تخصصی در صنعت، كشاورزي، اداره‌ی کشور، جامعه و امت اسلامی، اولویت‌گذاری و انتخاب مهم‌ترین مسائل، پی‌گیری آن‌ها در قالب مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی است. در پی‌گیری تخصّصی مسائل نظام، با توجّه به  اقتضائات محیط دانشجویی لزوماً به دنبال حلّ مسئله و ارائه‌ی راهکار نباید رفت، بلکه باید به دنبال درک و فهم مسائل و یافتن گلوگاه‌ها و نگرش به مسائل از منظر بیّنات و قدر متیقّن‌های هر حوزه‌ی تخصصی و استفاده از آموزه‌های کلان دینی و در نهایت ناظر به واقعیات صنعت، جامعه و عرصه‌ی اجرا بود. بسته به حوزه‌های تخصصی، مسائل مورد بررسی، و اهمّیّت و شکنندگی، اولویت‌های دیگر محیط دانشجویی، کارشناسان و هادیان کمک‌کننده و...، میزان عمق در مسئله و رسیدن یا نرسیدن به راه حل در آن تفاوت می‌کند. گاهی اوقات بعضی مسائل راه حل‌های بیّن دارند که بدون نیاز به کار تخصّصی جدّی فهم می‌شود، گاهی اما رسیدن به یک نتیجه‌ی عمیق نیازمند یک کار گسترده و عمیق است، که مثلاً چند هفته یا ماه به صور تمام‌وقت از افرادی وقت می‌گیرد، طبیعتاً این کار تشکل دانشجویی نیست.

**فصل چهارم: گام‌های عملیاتی**

خب حالا تصمیم گرفتیم وارد مسائل کشور شویم، چه باید بکنیم؟

1. **شناخت کلی پیدا کردن از مسائل حوزه‌ی تخصصی**

در گام اول احتیاج داریم که یک نگاه کلی و از بالا نسبت به مسائل اصلی کشور که حتّی المقدور با حوزه‌ی تخصّصی رشته‌ی ما مربوط‌اند پیدا کنیم. و مسائل با اولویت و مهم را درک کنیم.

این فرایند چندلایه دارد

* درک مسائل اصلی حوزه‌ی تخصصی
* درک اولویت‌های نظام و تلاش برای استخراج اولویت‌های آن حوزه‌ی تخصصی
* رصد اتفاقات فوری و گذرا در این مورد
* ایجاد بانک اطلاعاتی نسبت به اساتید، چهره‌های حرف‌دار، فعّالان در صنعت و حکومت و جامعه، کانون‌های تفکر، مسئولین مرتبط و....

لزوماً این‌گونه نیست که در یک فرآیند مشخّص و با ترتیب منطقی منظّم به دنبال مسائل حوزه‌ی تخصّصی رفت. اما باید این اطّلاع یافتن به نحوی کلید بخورد.

مثلاً می‌توان به سراغ اساتید دانشگاه رفت، و از آنان خواست که در مورد مسائل واقعی و عینی مرتبط با رشته‌ی تخصّصی‌شان صحبت کنند، سراغ کانون‌های تفکّر، از همه مهم‌تر افراد مسئول در صنعت یا حکومت و جامعه در سطح ملی و منطقه‌ای و بخش دولتی و خصوصی و.... رفت. بعد از رجوع به هر فرد، که می‌تواند در قالب جلسات مشاوره یا جلسات عمومی یا مصاحبه باشد، در انتهای هر جلسه نکات محوری استخراج شود و از مدعو، در مورد اسامی افراد حرف‌دار جدی برای مشاوره سؤال بشود. در جلسه‌ی بعدی سؤالات نکات گفته‌شده‌ی پیشین از فرد بعدی نیز پرسیده شود و نکات اضافه گردد و بعد از چند جلسه در صورت انتخاب افراد خوب، وضعیّت کلی مشخص می‌شود و حوزه‌های مشخص‌تری مورد رصد و پی‌گیری قرار گیرد. این اتفاقات ممکن است با بازدید از یک نهاد یا صنعت یا محیط خاصّ اجتماعی مثل بازار، بیمارستان و مشاهده مستقیم و مشارکت صورت بپذیرد که مؤثّرتر نیز هست.

ممکن است این اولویّت‌ها از مسیرهای دیگری هم مشخص شود، مثلاً امام خمینی و امام خامنه‌ای به مسئله‌ی خاصی به‌عنوان اولویّت در آن حوزه تأکید کرده باشند یا فوریت‌های نظام در شرایط خاص، موردی را محور کند. مثلاً قانونی در حال تصویب است، یا دولت تصمیمی گرفته یا در صنعت اتفاقی می‌افتد یا در فضای بین‌المللی مسئله‌ای پیش می‌آید یا به هر طریقی یک مسئله مطرح می‌شود و حول آن کار کلید بخورد.

* **طی کردن درست فرایند شناخت مسئله**

باید با برخورد با مسئله تلاش کرد تا ابعاد مختلف موضوع را فهمید، بعد با مشورت‌ها میان ابعاد مختلف موضوع اهم و مهم کرد. مثلاً یک موضوع اقتصادی ممکن است ابعاد مختلفی داشته باشد، که از بین آن ابعاد یکی از آن‌ها اولویت است یا قابلیت پی‌گیری و مطالبه‌گری دارد. ابعاد دیگر آن یا مهم نیست، یا امکان نقش‌آفرینی در آن جدّی نیست یا این که به دلیل ظرفیت‌های موجود در مجموعه مثل اساتید و مشاورین، رشته‌های بچه‌ها یا تجارب قبلی و.... این حوزه‌های خاص اولویت می‌یابد. گاهی نیز به‌اندازه‌ی کافی در مورد آن موضوع از سوی دیگران کار انجام‌شده، البته گاهی تأیید و تکرار و حمایت از مواضع درست خودش ضرورت دارد، اما گاهی اولویت ورود را به موارد دیگر منتقل می‌نماید.

* **عدم فریب خوردن با مصاحبه‌ها و جلسات مشاوره**

در فهم مسائل به خصوص براي كساني كه تجربه ندارند و با افراد باتجربه ارتباط ندارند یک مشکل جدی می‌تواند اين باشد كه به حرف‌هاي نفرات اول (به‌ویژه اساتید انتزاعی که مستقیماً در صنعت حضور ندارند،) بسنده كنند و مسئله را سطحي را بفهمند يا ابعاد ديگر را نبينند. این‌جا بايد سعي شود، با افراد در طیف‌های مختلف مصاحبه و مشورت یا جلسه برگزار كنند و تلاش کنند تا نظرات منتقدين را هم بشنوند، البته میزان عمیق شدن در مسئله باید حد دانشجویی باشد، و قرار نیست تشکل دانشجویی متخصص حل یک مسئله شود.

* **اولویّت‌گذاری**

اولویت‌گذاری و اصلی- فرعی کردن مسائل، موضوعی بسیار مهم است، پی‌گیری خیلی مسئله‌ها خوب است، امّا اولویّت نیست. باید از طریق نگاه کردن به ریشه‌ها و گلوگاه‌ها، مشاهده‌ی برنامه‌های دشمن و شدت عکس‌العمل‌ها و حساسیت‌های او، تکالیف اهمّی که قوام جامعه به آن است یا در سرنوشت کشور  و جامعه و امت تأثیر جدی دارد، انگشت اشاره‌ی رهبری، سیاست‌های کلی نظام، اولویت‌های لحظه‌ی انقلاب مثل شرایط تحریم و اقتصاد مقاومتی، انتخابات، [حمایت از تولید ملی](http://ghiam.ir/?p=1182)، میزان کلان بودن مسئله و....، به اولویت‌شناسی دست یافت. رفتن و حل کردن یک مشکل کوچک یا پی‌گیری آن در منطقه یا حتی کشور کار خوبی است، اما باید به سراغ اولویت‌ها رفت. اساساً وقتی می‌گوییم مسائل نظام یعنی اولویت‌های نظام باید خودش را در اولویت‌های انتخابی دانشجویان نشان دهد. در شرایط کنونی که اقتصاد مقاومتی و زمینه‌سازی پیشرفت و عدالت هست همه‌ی اولویت‌ها باید به نحوی با این حوزه نسبت بیابند. یکی از مؤثّرترین فرصت‌ها و اولویت‌های مطالبه انتخابات است که اکثراً در مورد آن به مسائل بی اولویت پرداخته می‌شود. اما می‌توان با طرح سؤال‌های جدی و تخصّصی و منطقه‌ای و سنجش برنامه‌های کاندیداها با گفتمان کلی و سیاست‌های نظام در حوزه‌های تخصصی نقش‌آفرینی مؤثر داشت، و اهمیت نقش‌آفرینی در آن با حوزه‌های دیگر تفاوت بسیار دارد.

نکته‌ی مهم در اولویّت‌گذاری این است که كاري را بايد دست گرفت كه توان اثرگذاري دانشجویی در آن احساس شود. وگرنه دست گذاشتن روی مواردی که نمی‌توان کاری برای اصلاح آن از جانب جنبش دانشجویی کرد، یا صرفاً می‌توان تحلیل بی‌نتیجه‌ی عینی از مشکلات آن ارائه داد یا مسئله به نحوی زیرساختی است که اصلاح آن به هزینه و اقدامات فرار از توانی نیاز دارد که گفتمان‌سازی و مطالبه‌ی جنبش دانشجویی توان ایجاد فضا و حرکت مؤثّر در آن را ندارد ، یا رسیدن به راه حل در آن نیاز به صرف زمان و هزینه و افتادن از دیگر وظایف دانشجو یا جنبش دانشجویی را به دنبال دارد اولویّت نبوده یا حداقل اولویت اول نیست. البته در اولویّت‌گذاری در این موارد باید حتّی المقدور با افراد باتجربه مشورت کرد.

* **مسائل ملّی یا منطقه‌ای**

یک مسئله‌ی مهم در اولویّت‌سنجی، انتخاب بین مسائل ملّی و منطقه‌ای است، گرچه داشتن نگاه ملی و فراملی برای افراد ضروری است و نباید بخشی و جزئی به مسائل نگریست، اما باید به ویژگی ممتازها و کمیت و کیفیت افراد درگیر مسئله نیز توجه شود. مثلاً مسائل صنعت یا استانداری یا ارشاد یا شهرداری یک شهر برای تشکل دانشجویی دانشگاه آن شهر اولویت است و اگر او آن را پی‌گیری نکند مثلاً از یک تشکل دانشجویی در گوشه‌ی دیگر کشور یا تهران نمی‌توان انتظار داشت که به آن قضیه بپردازد، (گرچه گاهی ممکن است اهمیت یا فوریت مسئله این الزام را فراهم کند مثل اتفاقی که در مسئله‌ی از بین رفتن پیاز جیرفت و بی‌توجهی به خرید تولید کشاورزان سال 90 اتفاق افتاد و تشکل‌های محلی سکوت کردند اما بعضی تشکل‌ها و اتحادیه‌ها در تهران وارد مسئله شدند و در رسانه‌ها موج‌سازی‌هایی کردند). ولی این به معنی بی‌توجهی به مسائل ملی در مناطق نیست. مثلاً اگر اقتصاد مقاومتی در نظام سلامت اولویت مسئله‌ی مدیریت واردات دارو را مطرح می‌کند تشکل‌ها در شهرستان‌ها نیز نباید نسبت به مطالبه‌ی این مهم کوتاهی کنند. از منظری دیگر هم علاوه بر توجه به مشکلات منطقه‌ای باید به وجه ایجابی و اولویت‌های مهم توسعه منطقه‌ای در آن منطقه هم نگریست.

1. **پی‌گیری مسئله**

پس از فهم مسئله باید به سراغ پی‌گیری مسئله رفت.

* **مخاطب شناسی پی‌گیری تخصصی مسائل نظام**

 این پی‌گیری بسته به مخاطب‌های مختلف جریان دانشجویی در عرصه‌های مختلفی باید صورت بپذیرد.

* دانشجویان
* اساتید
* نخبگان
* مسئولین
* رسانه‌ها
* مردم
* افکار عمومی بین‌المللی و قدرت‌های جهانی

بسته به مورد باید سنجید و مخاطب‌های مورد نظر را مخاطب قرار داد وارد صحنه کرد.

مثلاً برای توجیه دانشجویان یا مورد خطاب قرار دادن آنان از ابزارهایی مثل [کرسی آزاداندیشی](http://ghiam.ir/?p=777)، چاپ نشریه، [فعال کردن برد](http://ghiam.ir/?p=943)، صدور بیانیه، برگزار جلسه‌ی هم‌اندیشی و سخنرانی، ارسال میل، پخش مستند و... می‌توان استفاده کرد.

برای به صحنه آوردن اساتید، بیانیه و نشریه را در باکس یا اتاق آن‌ها انداخت، آنان را به جلسه‌ی هم اندیشی دعوت کرد، با آن‌ها مصاحبه گرفت و....

برای توجیه مسئولان از ارسال نامه‌ی محرمانه و سرگشاده، درخواست جلسه با آن‌ها، تولید گزارش‌های تحلیلی شامل بعضی ابعاد مسئله، اولویت، اهمیت و بعضی ابعاد آن و..... (مطابق با سطح دانشجویی نه به‌اندازه‌ی یک کانون تفکر یا پژوهشکده)، دعوت به دانشگاه و در صورت نتیجه ندادن، بیانیه دادن، برگزاری تجمع و تحصّن، توجیه مسئولین مثلاً امام‌جمعه و... در استان و کشور، رایزنی با رسانه‌های ملی و منطقه‌ای و ... بهره گرفت. رعایت مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر از ارشاد جاهل تا نهی منکر خصوصی، تا اعلام عمومی تا بیانیه و دادن و تحصن و تجمع و.... در مورد مسئولین مسئله‌ای مهم است، گره بسیاری اوقات به دلیل فوریت یا در دسترس نبودن مسئولین، گوش ندادن آن‌ها ناچار باید موضع‌گیری علنی کرد. البته این جا هم باید توجه کرد که باید زنجیره اقدامات گذشته تا امروز را باهم دید. یعنی وقتی مسئله‌ای طرح‌شده، در دوره‌های گذشته، در موردش کاری انجام‌شده به‌جای شروع از صفر باید به‌صورت امدادی کار را از آن جا ادامه داد، مثلاً وقتی در مورد تحریم کالاهای صهیونیستی یا در مورد خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش کارهایی در گذشته شده این بار باید بر شانه آن کارها سوار شد و مراحل بعدی را پی گرفت.

برای رسانه‌ها علاوه بر ارسال گزارش حرکت‌ها یا دعوت آن‌ها به برنامه یا ارسال موضع‌گیری‌ها و نامه‌ها به آن‌ها از طریق میل و فاکس([فاکس](http://edalatkhahi.ir/main/archives/18#more-18) بعضی این خبرگزاری‌ها روی  اینترنت موجود است.) و به طریق اولی ارتباط با رسانه‌های استانی یا رسانه‌های تخصصی موضوع مورد نظر  (خدمات پس از فروش و بازتولید برنامه در قالب رسانه‌ای کردن آن و یا بازتولید آن در رسانه‌های دانشجویی مثل برد وبلاگ و نشریه و میل و.... بعضاً به‌اندازه و حتی بیش از خود برنامه و یا موضع‌گیری و کار ارزش دارد.) می‌توان با نامه زدن یا تشکیل جلسه با گردانندگان یا دبیر سرویس یا خبرنگار مربوطه آن‌ها را نسبت به اهمیت موضوع توجیه کرد، سوژه را برای آنان تشریح کرد یا مثلاً لیستی از کارشناسان را در اختیار آن‌ها قرار داد. حتّی می‌توان به سمت ایجاد رسانه در قالب وبلاگ و یا سایت و.... برای پی‌گیری این مسائل رفت. (نمونه: [سایت علوم اجتماعی اسلامی ایرانی](http://ejtemaee.ir) ejtemaee.ir)، سایت علوم تربیتی(ربrabonline.ir)، سایت [عیار(ayaronline.ir](file:///C:\Users\Teribon\Documents\یادداشت\علمی\ayaronline.ir)) ) البتّه بسیاری موارد فعال کردن ظرفیت‌های موجود به کارهای تأسیسی کوچکی که دیده هم‌ نمی‌شود، اولویت دارند.

برای توجیه مردم از قالب رسانه‌ها، ابزارهای ارتباط‌گیری مستقیم مثل سخنرانی در مساجد، توزیع محتوا در هیئات و نمازجمعه، صحبت کردن با تشکل‌های مردمی مثل اصناف و بسیج مساجد و انجمن‌های اسلامی و هیئات و.... می‌توان بهره برد. یا کارهای رسانه‌ای جذابی که توجه مردم را جلب کند، طراحی کرد. مواقعی وجود دارد که مجبورکردن مسئولین به تحقق یک مسئله احتیاج به فعال کردن افکار عمومی و رسانه‌ها و فشار مردم روی مسئولین دارد.

همین‌طور در مورد مسائل بین‌المللی می‌توان از انجام کارهای رسانه‌ای، نامه‌نگاری به تشکل‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و... با ترجمه به زبان خودشان استفاده کرد.

قطعاً ارتباط با فضای هنری می‌تواند در انتخاب [قالب‌](http://ghiam.ir/?p=612)ها تغییرات جدی ایجاد کند. اضافه شدن قالب [ساخت مستند](http://ghiam.ir/?p=1077) به کارهای دانشجویی نیز می‌تواند به‌عنوان یک محور جدی مورد توجه قرار بگیرد. در فضای دانشگاه و جامعه بارها مستندها برای اثرگذاری بر مسئولین و مردم نقش های موثری داشته‌اند. مثل مستند عنبرآباد یا رابطه نمایندگان مجلس هفتم با یکی از مفسدین اقتصادی که در ابتدای دهه هشتاد در فضای دانشجویی تولید شد، یا مستند استعمار دلار و شبنم که در کانون های تفکر در سال 90 و 91 برای مسئولین تولید شد، مستند منطقه 19 در سال 90 یا مستند فقر و فحشا در فضای عمومی در سال 83.

فعال کردن رسانه‌ها و کار رسانه‌ای به خصوص رسانه ملی در سطح ملی و منطقه‌ای خیلی اوقات از انجام خیلی حرکت های دیگر موثرتر است، مثلاً وارد صحبت شدن با مسئولین رسانه‌ها، یا خبرنگارها و تهیه‌کننده‌های خوش‌ذوق، انقلابی یا سلیم‌النفس برای پرداختن به موضوع مورد نظر، و کمک کردن به آن‌ها مثل ارائه پیشنهاد موضوع و کارشناس و فرد مطلع و.... می‌تواند مؤثر باشد. گاهی هم برای فعال کردن رسانه باید از ابزارهای دیگر برای مطالبه و گفتمان سازی جهت متوجه کردن رسانه‌ها استفاده کرد.

* **بعضی نکات مهم در فرآیند پی‌گیری تخصصی مسائل نظام**
  + **مسئله‌ی نیرو**

نباید برای شروع لنگ نیرو ماند. بخشی از فرآیند می‌تواند با اعلام عمومی مثلاً تصمیم واحد علمی بسیج دانشگاه به تشکیل حلقه روی این مسئله صورت بگیرد. یا نه بدون این فرآیند جلسات عمومی که برگزار می‌شود در حاشیه‌اش افرادی که منظم شرکت می‌کنند را دعوت به همکاری کرد. گاهی هم بعضی مسائل را حتی یک نفر می‌تواند کلید بزند و کار را شروع کند و در فرآیند بعداً افرادی دیگر را دخیل کند یا ممکن است تا آخر خودش بماند. مهم شروع کردن مسئله است. حتماً نباید ابتدا چند نفر دانشجو پیدا نمود بعد به دنبال یک موضوع گشت، بلکه رابطه می‌تواند برعکس نیز باشد و در بسیاری موارد این رابطه‌ی عکس مؤثرتر است. یکی از راهکارها ایجاد ستاد با موضوع مورد نظر و فضاسازی روی آن است، ممکن است ستاد پی‌گیری موضوع مورد نظر حتی از یک نفر تشکیل شده باشد، اما تشکیل ستاد خود یکی از راهکارهای اهمیت دادن به موضوع است که در رسانه‌ها تحت عنوان آن بیانیه منتشر شود، نامه‌نگاری شود، یا جلساتی برگزار شود.

* **محوریت یافتن اقدام جمعی و تشکلی و قرارگاهی**

نکته‌ی مهم دیگر جزیره‌ای عمل نکردن و اقدام جمعی و تشکلی و قرارگاهی است. هسته‌ها و مجموعه‌ها باید به سمت جبهه‌ای عمل کردن، محصور نشدن در رهنمود دادن صرف و عمل به مثابه‌ی کانون فکر و اقدام باشند: «یك مجموعه‏ی فكری درست كنید - همان اتاق فكر در مراكز - اینها بنشینند فكر كنند، فكرهای عالی بكنند. از افراد مطمئن، خاطرجمع و خوش‌فکر استفاده كنید. (بيانات رهبر معظم انقلاب در ديدار با هزاران نفر از اعضاى بسيج دانشجوئى دانشگاه‌های سراسر كشور1386/02/31) «من گمان می‌كنم اگر مجموعه‌هاى دانشجوئى، كانون یا كانون‌هاى تصمیم و اقدام داشته باشند براى این‌كه در مسائل گوناگون فكر كنند و تصمیم بگیرند، اقدام‌هاى آنها سنجیده‌تر خواهد بود». (دیدار با دانشجویان 91/5/16) باید تلاش کرد تا بدنه‌های دیگر تشکل و سایر تشکل‌ها را نیز به کار پیوند زد. البته نباید کار متوقف به چنین مواردی باشد و باید با پرهیز از افزودن به آفتابه‌لگن‌هایی که به شام و نهار منتهی نمی‌شوند، اصل کار را جلو برد و ضمن آن دیگران را بدون ضربه خوردن به کار به مشارکت دعوت کرد. احساس مسئولیّت نسبت به پروژه‌های دیگر فعالان پی‌گیری تخصصی مسائل نظام هم عنصر مهمی است که باید با جبهه‌ای عمل کردن، کمک به اطلاع‌رسانی، شرکت در برنامه‌ها مثل همایش و تجمع، موضع‌گیری حمایتی از اقدامات مورد اطمینان آن‌ها صورت بپذیرد(مثلاً تشکل‌هایی شهرهای مختلف در مورد آن مسئله بیانیه بدهند و.... این مدل به‌ویژه برای اثرگذاری بر مسئولین شهرستان‌ها بسیار مؤثّر است)، و در مواردی که ظن و گمان صرف هست، و قطعیّت نیست، با رعایت ملاحظات بیش‌تر عمل شود، البته این کار نباید به محافظه کاری بینجامد. «اگر هم در جايى براى انسان مطلب روشن نيست، آنجا نبايد حركت كند. اگر ديديد زير پا محكم‏ است، پا بگذاريد؛ اگر ديديد مشكوك است، پا نگذاريد. بنابراين محافظه‏كار نباشيد، اما هوشيار باشيد».‌ (بيانات رهبر معظم انقلاب در ديدار با هزاران نفر از اعضاى بسيج دانشجوئى دانشگاه‌های سراسر كشور31/ 02/ 1386)

* + **کار محوری نه تشکیلات محوری**

هر بار که قرار می‌شود حرکتی در حوزه‌ی محقق کردن جدی پی‌گیری تخصصی مسائل نظام و مواردی از این دست انجام ‌شود، سریع تحت عنوان ضرورت تشکیلاتی شدن چارت کشیده می‌شود، نیرو جمع می‌شود، بنای شکل‌گیری واحد دانشگاهی و دانشکده‌ای و گروهی می‌شود و در نهایت، مصداق ما وقع لم یقصد و ما یقصد لم یقع (آن‌چه محقق شد هدف نبود و آن‌چه هدف بود محقق نشد)، می‌شود. بسیاری از دغدغه‌های محقّق نشده یا کاملاً محقّق نشده‌ی رهبری مثل نهضت آزاداندیشی و کرسی‌ها هم از این موضوع رنج می‌برند. هنوز نهضت محقق نشده همه به دنبال نهاد کردن آن هستند و در نهایت نهضت زیر چرخ‌های بروکراسی‌ها و دبیرخانه‌ها و شوراها و شبکه‌ها و قرارگاه‌ها از بین می‌رود. به‌ویژه بعد از فتنه 88 تب تشکیل شبکه، قرارگاه، کارهای تکنیکی در عرصه‌ی هنر در نیروهای حزب‌الله بالا رفته است، قبلاً کسی نبود سوت بزند افراد را به خط کند، الآن همه در حال سوت زدن هستند، کسی نیست به خط شود. بردارهای بزرگ اما بدون جهتی شکل‌گرفته است، چه بسا می‌شد بردارهایی با جهت درست ولو با اندازه‌ی کوچک، کار را به سر انجام برساند. طبیعتاً هر کاری برای ماندگار شدن احتیاج به نهاد شدن دارد، اما این نهادی شدن باید ذیل تحقق مسئله و نهضت و کار شکل بگیرد. ما باید مسئله و کار را وسط بگذاریم ولو با یک یا چند نفر محدود یا یک مسئله برای یک دانشگاه کلید بخورد و بعد حول مسائل و کارها اقدام به نهادسازی کنیم و تلاش کنیم نهادها تخصصی شکل بگیرد. نه این که سرگرم زیرساخت‌سازی‌ای شویم که بنایی بنا نیست، روی آن شکل بگیرد. (بررسی مجموعه‌های مختلف شکل‌گرفته در کشور برای اصلاح علوم انسانی، وحدت حوزه و دانشگاه، بنا نهادن تمدن اسلامی و... شکل‌گرفته و در آغاز ساختمان و چارت و نیروی انسانی و..... به‌جای رفتن سراغ خود مسئله در آن‌ها محور شده اهمیت عدم گرفتار شدن در این چارچوب را متذکّر می‌شود).

نکته‌ی مهم دیگر در این جا این است که در انتخاب نیروها باید توجه کرد که باید تلاش کرد با افرادي كه همراه‌تر هستند کار را کلید زد و به خاطر کسانی که در شروع كار اختلاف‌نظر دارند و توجيه كردن آنها توان كار مؤثر را مي‌گيرد کار نباید متوقف بماند. البتّه در فرآیند جلو رفتن کار می‌توان این افراد را همراه کرد. بسیاری اوقات در ابتدا بايد آنها را كنار گذاشت و با افرادي كه نظرات نزديك‌تر دارند كار را جلو برد. البته این نباید به از بین رفتن هویت جمعی و تبدیل کارها به مسائل فردی و بی‌نظمی در تشکیلات بینجامد، و باید کار با تعامل و استفاده از ظرفیّت حدّ اکثری و به‌صورت تشکیلاتی جلو برود، اما این تشکیلاتی کردن نباید نسبت به کار اصالت بیابد.

تشکیلات بدون ارتباط با مسائل واقعی و عملیات و ارتباط با مردم و بدنه عمومی دانشجویان ممکن است پرطمطراق هم باشد اما طبل توخالی که در لحظه حساس خالی بودن خود را نمایش می‌دهد، که یک نمونه از تشکیلات و قرارگاه‌ها و جبهه‌ها و شبکه‌های پوک و توخالی در انتخابات 92 خود را نشان داد.

* **مسئله محوری نه رشته محوری**

مسئله‌ی مهم دیگر مسئله محوری است. هسته‌های علمی باید حتی‌المقدور حول موضوعات علمی شکل بگیرد. بسیاری از مسائل این‌گونه است که اساساً ماهیت بین رشته‌ای دارد، یا این که افراد رشته‌ی مربوطه خودشان پی‌گیری جدی نمی‌کنند ، مثلاً اولین حرکت‌های مربوط به نظام سلامت از جانب دانشجویان فنی کلید خورد. یا این که مثلاً نقد صدا و سیما، آموزش عالی و.... از منظرهای رشته‌های مختلف باید صورت بپذیرد. گرچه اولویت این است که دانشجویان به سراغ رشته‌ی تحصیلی خودشان بروند، ولی تجربه این است که این فرایند قالب صوری و بروکراتیک می‌یابد. البته درازمدت باید به سمت آن رفت ولی برای شروع کار کلید زدن کار از مسائل، فرایند را تسهیل می‌کند. یعنی باید از هر پی‌گیری تخصصی مسائل نظام از هر رشته‌ای که باشد استقبال کنیم، و نباید مثلاً قانون به گونه‌ای باشد که معاونت علمی تشکل فلان دانشکده اجازه‌ی ورود به مسائل دانشکده‌ی دیگر را نداشته باشد. هسته‌های علمی حول موضوعات و مسائل نه صرفاً رشته‌ها باید شکل بگیرد. البته باید توجه کرد که باید توازنی هم بین این دو مورد پیش بیاید. به ویژه در تشکل‌هایی که دفتر دانشکده‌ای دارند، این مسئله نمود پیدا می‌کند، یعنی این‌که اگر کار بخواهد، بماند و فراگیر شود، چاره‌ای جز درگیر کردن بچه‌ها به تفکیک رشته نیست، که در دانشکده‌ها اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر رأس در هسته‌ی مرکزی می‌تواند به دادن نگاه از بالا مسئله‌یابی و توزیع مسئله و درگیر کردن دانشکده‌ها با مسائل مختلف اقدام کند. این رصد در مرکزیت نباید موجب شود، بین بدنه و رأس فاصله بیفتد، یا یک عده در رأس داشته باشیم که صرفاً کارشان یافتن مسئله باشد و بعد دانشکده‌های مان تبدیل به پیچ و مهره‌هایی بشوند که در یک کل بزرگ‌تر جای خودشان را در نسبت با بقیه پیدا نکنند. مثلاً در رأس کل بچه‌های درگیر و علاقه‌مند این مسئله را برای‌شان جلسات و برنامه مسئله‌شناسی می‌گذارند، در دانشکده ولی بچه‌ها مسائل تخصصی هر رشته خود را در صنعت و اداره جامعه و فرهنگ عمومی و.... جستجو می‌کنند. حالا ممکن است در نهایت مواردی را برای گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری انتخاب کنند، که لزوماً کارویژه رشته‌شان نباشد، اما از مسئله شناسی و فهم پیدا کردن به مسائل رشته استنکاف نمی‌کنند.

* **معضل دانشجویان تحصیلات تکمیلی**

بخش عمده‌ای از آدرس‌های غلط در پاسخ‌های نادرست به این سؤال  شکل می‌گیرد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی اصولاً در فعالیت‌های دانشجویی حضور ندارند و حضور آن‌ها در تحصیلات تکمیلی و تشکیل خانواده و.... نقش‌آفرینی‌های متفاوتی را علی‌الاصول برای آن‌ها ایجاد می‌کند. نقش این دانشجویان در اکثر موارد در تشکل می‌تواند هدایت و جهت‌دهی به هسته‌های فعّال باشد. البته در مواردی استثنائی این افراد هنوز آماده‌ی وقت گذاری هستند. اما در بسیاری موارد با توجه به تغییر شرایط، این افراد به دنبال موارد دیگری مثل رشد علمی، تخصّص پیدا کردن، ممحّض شدن در رشته‌ی تحصیلی، دغدغه‌های معیشتی و... هستند. به علت عدم پاسخ‌گویی درست به این موارد، بعضاً به دنبال پاسخ دادن به این موارد در تشکل، از طریق زدن پژوهشکده، گرفتن پروژه و.... هستند، که کار تشکل و نقش‌آفرینی درست آن را مختل می‌کند. باید در تشکّل، استفاده از آن‌ها به‌عنوان مشاور محور قرار بگیرد و از سوی دیگر این افراد به پیوستن به کانون‌های تفکر، پژوهشکده‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی و.... هدایت شوند، و از ایجاد آسیب به دلیل کج کارکردی و تعریف غلط از محیط دانشجویی جلوگیری شود. البته اگر در دانشگاهی فضای رشد بچه‌ها جوری است که در دوره‌ی تحصیلات تکمیلی حاضر به فعالیت هستند، هم باز همان مدل پی‌گیری تخصصی مسائل نظام نه گرفتن پروژه و زدن پژوهشکده و تولید گزارش‌های تحلیلی مفصّل باید محور قرار گیرد.

* **توجه به نسبت کار علمی فردی با پی‌گیری تخصصی مسائل نظام**

باید توجه کرد که فعالیت تشکیلاتی و پی‌گیری تشکیلاتی مسائل نظام نباید بهانه‌ی ترک وظایف فردی شود، افراد همان‌گونه که تکلیف دارند در قالب تشکیلاتی با توجه به ابزارها ویژگی‌های خاصّ دوره‌ی دانشجویی حرکت‌هایی را سامان دهند، باید فضای علمی فردی خود را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که درازمدت، حداقل در یک حوزه به‌صورت متخصّص در آمده و به حلّ مسائل نظام در آن حوزه بپردازند. طبیعتاً داشته‌های فعالیت‌های دانشجویی در مسیر شناخت اولویت‌ها و آشنایی با کارشناسان و حوزه‌ی تخصصی و... هم فرد را در این زمینه در مشخص کردن جهت‌گیری‌ها در پایان‌نامه و آینده‌ی شغلی رهنمون می‌کند. برنامه‌ریزی برای این بخش فردی، اما به عهده‌ی تشکل نیست. ممکن است فعّالان دانشجویی به‌صورت جمعی برای آینده‌ی خویش تصمیم بگیرند یا باهم همراه شوند، اما نباید این مسئله مزاحمتی برای تشکل دانشجویی ایجاد کند.

* **تحلیل پیدا کردن از مسئله و عدم اکتفا به‌پیش‌نهاد بیرونی**

کنترل ورودی‌ها و صرف بلندگوی مجموعه‌ها و اساتید و متخصصین نشدن، یک مسئله‌ی مهم است. باید درک ولو اجمالی و فهم کلی نسبت به مسئله داشت. مکن است این کار،مسیر را کند کند یا از کیفیت مسئله بکاهد یا در بعضی مواقع حتّی فرصت‌هایی از دست برود، اما رشد ساندویچی و پی‌گیری مسئله‌ای که فهمی از آن موجود نیست، به صرف این که به گفته‌ی فلان استاد یا کانون تفکر یا .... مسئله‌ی درستی نیست. به همان میزان گمراه‌کننده و خطرناک است که [تحلیل مسائل سیاسی بر اساس کدهای پشت پرده](http://ghiam.ir/?p=227). امام خامنه‌ای هم با صحّه گذاشتن بر این مسئله در دیدار با یکی از مجموعه‌های تبیینی نظام، به ‌ضرورت تربیت مستقل نسل جوان به گونه‌ای که هر یک بدون رسیدن اشاره‌ای بتوانند به تحلیل برسد تأکید کرده‌اند: «من می‌گویم باید کاری بکنیم که هر جوانی بتواند با اندکی تأمّل، خودش استنتاج کند که چه کار باید بکند. این حالت انتظار که ببینیم چه اشاره ای می‌شود، حالت خوبی است اما خطر ناک است، به خاطر این‌که قابل تداوم نیست. همین‌طور باید نشست و منتظر بود تا آن کاری که با اشاره فهمیده می‌شود، صادر شود؟ کارهایی هست که با اشاره فهمیده نمی‌شود. شما به‌عنوان بخشی از مجموعه‌ای که کار تبیینی می‌کند، باید کاری کنید که هر کسی بتواند به راحتی تکلیف خود را تشخیص دهد. این کاری طولانی‌مدت و دشوار است، اما لازم است ما به این احتیاج داریم». ایشان به ضرورت تحلیل مستقل ولو همراه با اشتباهات، تأکید کردند: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتّی دانش‌آموزان مدارس روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمی‌فهمند، جریان‌های سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری می‌تواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند!؟ بله؛ اگر حکومت استبدادی باشد، می‌شود. حکومت‌های مستبد دنیا، صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند؛ مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند. اما حکومتی که می‌خواهد به‌دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد؛ نظام را می‌خواهد با قدرت بی‌پایان مردم به سر منزل مقصود برساند و مردم را همه‌چیز نظام می‌داند، مگر مردمش به خصوص جوانان، و بالاخص جوانانِ دانشجویش می‌توانند غیر سیاسی باشند!؟ مگر می‌شود!؟….بنده در قضایای تاریخ اسلام این مطلب را مکرّراً گفته‌ام که، چیزی که امام حسن مجتبی علیه‌السّلام را شکست داد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود. مردم، تحلیل سیاسی نداشتند. چیزی که فتنه‌ی خوارج را به وجود آورد و امیرالمؤمنین علیه‌السّلام را آن طور زیر فشار قرار داد و قدرت‌مندترین آدم تاریخ را آن گونه مظلوم کرد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود واِلّا همه‌ی مردم که بی‌دین نبودند. تحلیل سیاسی نداشتند. یک شایعه دشمن می‌انداخت؛ فوراً این شایعه همه جا پخش می‌شد و همه آن را قبول می‌کردند! چرا باید این‌طور باشد!؟ اگر ملت، هوشیاری لازم را داشته باشد، شایعه‌ی دشمن مثل برف و یخی زیر آفتاب است. چه کسی باید این کار را بکند؟ شما جوانان باید بکنید. بنده با شما جوانان عزیزمان، حجّت خدا را تمام می‌کنم. من به شما عرض کردم و گفتم». (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار» ۱۲/۰۸/۱۳۷۲( تخطّی از این مورد ورود به مسائلی که هیچ شناختی از آن نیست، به صرف اعتماد به [بزرگ‌ترهای علمی، سیاسی](http://ghiam.ir/?p=1062)، [امنیتی](http://ghiam.ir/?p=227) و.... اساساً تشکل دانشجویی را از کارکرد می‌اندازد.

* **سطوح مختلف مطالبه**

باید توجه کرد که همه‌ی لایه‌های مختلف چرخه‌ی علمی از محیط تولید دانش یعنی دانشگاه و گروه‌های علمی، تا نهادهای مرتبط با آن حوزه‌ی تخصصی، تا افراد و عناصر و نهادهای درگیر مسئله‌ی خاص انتخاب‌شده در صنعت، جامعه، حکومت یا .... جزو محورهای مطالبه است. ممکن است ماهیّت بعضی رشته‌ها به‌ویژه در بعضی حوزه‌های خاصّ علوم انسانی و علوم پایه، به گونه‌ای باشد که مثلاً با مسائل واقعی در کف صنعت یا حکومت یا جامعه رو به رو نباشد، اما همیشه این افراد نسبت به بخشی از این چرخه می‌توانند مطالبه داشته باشند، مثلاً عملکرد گروه آموزشی یا نهادهای مرتبط با رشته‌ی تخصّصی خود را دنبال کنند. گرچه برای اکثر قریب به اتفاق رشته‌ها می‌توان مسائلی واقعی در نظام و جامعه جستجو کرد.

* **واقع‌بینی به اثرگذاری مطالبه**

بسیاری اوقات افراد، نگاه واقعی به‌جایگاه و آثار مطالبه ندارند. اثر مطالبه یعنی گفتمان سازی را متوجه نیستند، یا انجام چنین کارهایی را پوچ و بیهوده می‌شمارند. باید نگاه به مطالبه واقع‌بینانه شود، انتظار عجیب از پی‌گیری تخصصی مسائل نظام نباید داشت. مهم‌ترین کارکرد پی‌گیری تخصصی مسائل نظام، جلوگیری از بی‌توجهی به آرمان‌ها و تسلیم وضع موجود شدن در چالش‌های مسائل مختلف نظام است، که آن‌هم نه به‌صورت کلی که به‌صورت تفصیلی و تخصصی صورت می‌پذیرد. رهبر معظم انقلاب خود در این‌باره بهترین توضیح‌ها را داده‌اند: «یكى از دانشجويان عزيز مطرح كردند كه «شما مى‏گوييد دانشجويان مصلحت‏انديش نباشند. حالا ما آرمان‏گرا، پس چرا گاهى اوقات بعضى از دستگاه‏هاى اجرايى مصلحت‏انديشى مى‏كنند؛ اين دو چگونه قابل جمع هستند؟» من اين نكته را بگويم كه مصلحت‏انديشى بد، منفى و ضدّ ارزش نيست. مصلحت‏انديشى يعنى دنبال مسئله‌ای كه مصلحت است، رفتن. اينكه موضوع بدى نيست. اين را بدانيد كه دستگاه اجرايى كشور در تعامل بسيار دشوار خود در دنيا، بر سر دوراهى‏هايى قرار مى‏گيرد كه مجبور مى‏شود مصالحى را در نظر بگيرد؛ چون اداره‏ى كشور و كار اجرايى، كار خيلى سختى است. مثال آن، اين است كه وقتى كسى از پاى تلويزيون كوهنوردى را مى‏بيند كه با زحمت و قدم‏به‏قدم جلو مى‏رود، با خودش مى‏گويد: يك‏ذرّه زودتر و تندتر قدم بردار تنبل! او پاى تلويزيون نشسته، در آن ارتفاع چندهزار مترى و در آن وضعيت قرار ندارد كه ببيند اين كار چقدر عملى است. همين مثال بر كسى كه مسابقه كشتى يا فوتبال را از تلويزيون مى‏بيند، صدق مى‏كند. حتماً ديده‏ايد كه گاهى اوقات بعضى از تماشاگران فوتبال، دائم به بازيكن‏ها و تیم‌های مورد علاقه خود دستور مى‏دهند: تنبل بزن! شوت كن! به‏هرحال، كار اداره‏ى كشور كار سختى است و البته مصلحت، هيچ اشكالى هم ندارد؛ ما به آن‏ها ايراد نمى‏گيريم. البته حواسمان هم جمع است كه آن‏ها هميشه غرق در مصلحت نشوند و بنده با توجه به مسئوليتم به اين موضوع توجّه مى‏كنم.

اگر شما جوانان نگاه به قلّه‏هاى آرمانى را كنار بگذاريد، برآيندِ غلطى به وجود خواهد آمد. برآيندِ آرمان‏گرايى شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآيند معتدل و مطلوبى خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‏گرايى رفتيد و گرايش مصلحت‏انديشانه- يعنى صد درصد با واقعیت‌ها كنار آمدن- وارد محيط فكرى و روحى دانشجو جوان شد، آن‏وقت همه‌چیز به هم مى‏ريزد و بعضى آرمان‏ها از ريشه قطع و گم خواهد شد. دانشجويان نبايد آرمان‏گرايى را رها كنند. توقّع من از شما عزيزان اين است كه پايه‏هاى معرفتى خودتان را در همه‏ى زمينه‏ها عميق و مستحكم كنيد». (بيانات در ديدار جمعى از اعضاى تشکّل‌ها، کانون‌ها، نشريات، هیئت‌های مذهبى و شمارى از نخبگان دانشجويى‏15/ 08/ 1382)

مثلاً بعضی از موارد هست که با یک نسل مطالبه دانشجویی حل نمی‌شود، باید نگاه امدادی داشت، که علم این مسئله غلط و مطالبه آن را بالا نگه داشت تا جایی آن را رساند و به نسل‌های بعد منتقل کرد، که آن‌ها ادامه دهند. نباید انتظار داشت با یک ترم مطالبه چند بیانیه، تجمع یا .... فلان مسئله حل شود. البته باید توجه هم داشت وارد کاری که نمی‌شود، در آن اثرگذاری جدی کرد، نشد. جاهایی هم عمق مسئله جوری است که اساساً ورود به آن کار دانشجو تشکل دانشجویی نیست.

* + **درک جایگاه پی‌گیری تخصصی در زندگی اجتماعی فرد**

باید توجه کرد که پی‌گیری تخصصی مسائل نظام ویژه‌ی محیط دانشجویی است. پیش از آن محیط دانش‌آموزی، آموزش محور است و پس از فارغ‌التحصیلی جای مطالبه و.... نیست، باید کار تخصصی کرد و در هر حوزه‌ی کاری الگویی ارائه دارد. نقش‌آفرینی این‌گونه فقط در دوران دانشجويي امکان‌پذیر است و به همين جهت مسئوليت جريان دانشجويي چيزي فراتر از مسائل صنفی و مسائل روزمره است. بعد از پایان این دوره نیز فرد باید خود را آماده‌ی کار تخصصی با محوریت حل مسائل مشخصی از نظام بنماید. تجربه‌ی کار دانشجویی هم به لحاظ نیاز وجود یک گروه آرمان‌گرا و گفتمان‌ساز و مطالبه‌گر در نظام ضروری است، هم به لحاظ روش خود فرد و تحربه‌ی هزینه دادن و درگیر شدن با سیستم‌ها، نگاه از بالا و غیر محصور در یک حوزه‌ی کاری خاص و در مواردی به تعبیر رهبر انقلاب نقد تلخ و طلب‌کارانه کردن و عدم پذیرش وضع موجود بخشی از رشد لازم فرد است که در صورت عدم انجام آن بعدها با نقص‌هایی مواجه خواهد شد.

* + **توجه به لوازم پی‌گیری تخصصی مسائل نظام ضمن عدم سرگرم شدن به لوازم**

پی‌گیری تخصصی مسائل نظام لوازم دارد، یکی از لوازم آن این است که به ابعاد لازم دیگر آموزشی و تربیتی و انقلابی دانشجو توجه شود. وقتی قرار است به دنبال ‌پی‌گیری مسائل نظام و کار انقلابی باشیم، باید توجه کنیم که این مسئله لوازمی دارد، آشنایی با مبانی انقلاب، بصیرت داشتن، درک جامع از وظایف بسیجی و دانشجو، انگیزش و حفظ روحیه‌ی معنوی و بسیجی و.... این‌ها در ضمن درگیر شدن با مسائل باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از درس‌های قابل درک از سوره‌ی سبأ و دعوت به قیام لله (که پراستفاده‌ترین آیه در ادبیات امام خمینی بود) قل انما اعظکم بواحده آن تقوموا لله مثنی و فرادی سم تتفکروا همین مسئله است. باید به سراغ این مسائل آمد با مسئله درگیر شد در کنارش به پرداختن به لوازم آرمان‌گرایی و تربیت جامع آرمان‌خواهی و عدالت‌خواهی – عقلانیت – معنویت باید پرداخت. خیلی وقت‌ها افراد- به‌ویژه در علوم انسانی- به نیت خیر وارد این کارهای زیرساختی می‌شوند، امّا آن قدر سرگرم این زیرساخت‌ها می‌شوند، که از انجام اصل کار بازمی‌مانند. طبیعی است، این فرآیند رشد دارد، ابتدای ورود به درگیری با مسئله ضعف‌هایی هست که می‌تواند در انتهای مسیر مرتفع شود. بسیاری از لوازم کار در حکم ذی‌المقدمه است وجوب آن‌ها از جنس مقدمه‌ی واجب است(مثل وضو برای نماز.). اما مقدمه‌ی واجب تا جایی وجوب دارد که به واجب بینجامد، حتّی اگر جایی مثلاً به خاطر تنگی وقت، عسر و حرج و.... مانع از انجام خود واجب شود، با جایگزین‌‌هایی روبه‌رو می‌شود.(مثل تیمم به‌جای وضو، وگرنه وضویی که جلوی نماز را بگیرد، یا جایگزین آن بشود، موضوعیت ندارد). البته این بهانه ترک مقدمه‌ی واجب نیست، باید انسان مقدمات را هم کسب کند، (مثلاً در مورد نماز تأخیر انداختن آن تا موقعی که دیگر فرصت وضو گرفتن نباشد و تکالیف دیگری مثل تیمم به انسان بار شود، اگر عمدی باشد معصیت است)، این کارها نیز همین‌گونه است، بهانه نباید برای کسب مقدمات و زیرساخت‌ها آورد، اما نباید با سرگرمی به زیرساخت‌ها از خود کار هم غافل شد.

* **ضرورت بینش سیاسی داشتن و دور نخوردن**

پی‌گیری تخصصی مسائل نظام نباید، حالت یک کار ایزوله را پیدا کند که افرادی که درگیر فعالیت‌های دانشجویی نیستند، صرفاً درگیر آن شوند. از قضا این رویکرد تخصصی داشتن خطرات بسیار بیشتری را ایجاد می‌کند که در صورت نداشتن دید سیاسی و جدا بودن از بدنه‌ی فعال دانشجویی خود را می‌نمایاند. گاهی اوقات، افراد دید تخصصی پیدا می‌کنند، اما به‌واسطه نداشتن همین دید، فریب می‌خورند. به‌ویژه این که زایش بیمار دانشگاه و روشنفکری در ایران موجب شده که بخش عمده‌ای از افراد دارای ظرفیت‌های تخصّصی حداقل از افراد دل بسته به انقلاب و اسلام نمی‌باشند و بعضاً با تمسک به کدهای درست از ضعف‌ها و اشکالات یا ارائه‌ی خطّی انحرافی با ادبیات تخصّصی موجبات بازی خوردن مجموعه‌ها را فراهم آورند. بعضاً  افرادی وجود داشتند که بحث‌های تخصصی سران فتنه‌ی 88 آن‌ها را جذب کرد و این افراد حتّی بعد از روشن شدن مسائل پوچ ادعایی آنان نیز به دلیل نداشتن همان بینش سیاسی برنگشتند. یا مثلاً در انتخابات با تکیه‌ی صرف بر بعضی ویژگی‌های مثبت تخصّصی از توجه به دل‌بستگی به اسلام و انقلاب ولایت‌فقیه، دسته‌بندی سیاسی، مواضع در شرایط حسّاس انقلاب مثل فتنه و نغمه‌های سازش و .... بی‌توجه بوده‌اند. یا تکنوکراسی و صرف داشتن برنامه بی‌توجه از مبانی و یا تشخیصی که از مسائل کشور پشت سر برنامه باید باشد، ملاک قرار گرفته است. البته در کفه‌ی تفریطی نیز کسانی را داشتیم که با توجه صرف به بعضی شاخص‌های کلی به افراد بی‌لیاقت رأی داده‌اند و خلاصه راه رفع این مشکل آمیختن نگاه سیاسی و جدا نشدن از کف فعالیت‌های دانشجویی و دانشگاهی سیاسی است. نیرویی می‌تواند محور راه‌اندازی حرکت‌های جدی برای آینده‌ی انقلاب شود که علاوه بر تحلیل درست، سابقه و تحربه‌ی آرمان‌خواهی و هزینه دادن برای پیشبرد انقلاب را داشته باشد. مثلاً برای رأی دادن در انتخابات پایبندی های اسلامی و انقلابی نسبت به همه‌ی شروط دیگر اولویت دارد، اما باید در ذیل آن‌ها به مسائل تخصّصی هم توجه کرد. به تعبیر شهید دکتر چمران «میگویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، آن‌را می‌پذیرم. امّا می‌گویم آن کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذرد، بی‌تقواست». سیاسی بودن و تربیت سیاسی اشتن و جریان‌شناسی سیاسی و تحلیل سیاسی داشتن یکی از لوازم پی‌گیری تخصّصی مسائل نظام به شمار می‌آید. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: « آن چه که بنده نام روشن فکری به آن می دهم، غیر از معنای روشن فکری در معارف عمومی عالم است. مقصود من از روشن فکری، مقوله ای است که در معارف سیاسی بیان می‌شود. روشن فکری، یعنی شناخت جریان‌های زندگی. روشن فکر حتما نباید با علم همراه باشد. دانشمندانی هستند که روشن فکر نیستند. به عبارتی از مسائل جهان و جریان‌های زندگی و حوادث سیاسی و فرهنگی، چیزی درک نمی‌کنند. در دوران انقلاب، طبقه ای از روشن‌فکران بودند که حوادث کشور، رژیم حاکم بر آن و مبارزه و دشمن را می شناختند؛ امّا تخصّص و دانش رایج را نداشتند. بسیاری از مردم عادّی جزو روشن‌فکران بودند. در مقابل آن‌ها، عده ای از اساتید، دانشمندان و علمای مذهبی وجود داشتند که از علم بالایی برخوردار بودند؛ اما جریان‌های زندگی، مبارزه، سیاست، استکبار و رژیم فاسد آن زمان را نمی شناختند. منظورم از روشن فکری، معنای رایج در فرهنگ مباحث فرهنگی – انتلکتوئل- نیست. منظورم روشن فکر به تعریف رایج در مباحث سیاسی است؛ یعنی کسی که در جریان‌های زندگی، واقعیت های موجود در محیط سیاسی کشور، دشمن ها، دولت‌ها و مبارزه را می شناسد و بینش و دیدی عمومی در مسائل اجتماعی و اساسی جهان و زندگی دارد. این روشن فکری است و اگر در اختیار انسآن‌ها باشد، آن‌ها را نسبت به خطرهای عمده ای که زندگی شان را تهدید می‌کند، آگاه می سازد.... چیزی که از اهمّیّت زیادی برخوردار است، پیدا کردن نقش و رابطه ی مقوله ی دانش، روشن فکری و ایمان باهم است....اسلام این سه عنصر را باهم به ما می بخشد. برای ساختن نظام اسلامی باید این سه عنصر باهم و در کنار هم باشند. بهترین عامل برای جمع این سه عنصر باهم شما هستید. کشوری که جوانان آن به تحصیل علم بپردازند و با ایمان باشند و روحیه‌ی روشن فکری و روشن بینی داشته باشند، امروز در هر وضعی باشد، قطعا فردایش روشن و تابنده است.» (بیانات در دیدار دانشگاهیان و فرهنگیان در بابل، 25/7/1374)

از سویی دیگر باید مسائل مختلف دیگر، از منظر تخصصی مورد نظر قرار بگیرد. مثلاً رهبر معظم انقلاب یکی از وظایف دانشجویان را تفکر در مورد راه‌های مبارزه با آمریکا خواندند این مسئله می‌تواند در رشته‌های مختلف، پیدا کردن راه‌های دخالت آمریکا در سرنوشت کشور را شامل شود.

* **مطالبه خانگی و عدم معارضه**

از سوی دیگر پی‌گیری تخصصی مسائل نظام و مطالبه گری نباید سیاست زده بشود. همه مسئولین و دولت‌ها در نظام اسلامی با تمام قوت و ضعف‌ها، نزدیکی و دوری‌شان به مبانی انقلاب و.... بالاخره بخشی از پازل نظام را پر می‌کنند باید تلاش کرد که به آنان کمک کرد. بخشی از این کمک هم با گفتمان سازی اصول و مطالبه مواردی اصولی و قانونی محقق می‌شود. باید از دولت‌ها مطالبه داشت، در مطالبه هم جدی بود، حتی نقد تلخ طلبکارانه کرد، اما نباید این مطالبه را معارضه و دشمنی تبدیل کرد. یا اگر جایی نظری بر مبنای کارشناسی مطرح شد،و انتقادی از مجموعه‌ای صورت گرفت به معارضه با نظام یا رهبری تعبیر شود. البته فضای کلی پی‌گیری مطالبات باید بر اساس منظومه ارزشی و آرمانی انقلاب و منظومه فکری رهبر انقلاب شکل بگیرد و پی‌گیری خطوط متفاوت با خطوط کلی (و نه نظرات شخصی و خاص)، در قالب جنبش دانشجویی حجیت ندارد. به تعبیر رهبر انقلاب« مطالبه كردن با دشمنى كردن فرق دارد. اينكه ما گفتيم گاهى اوقات معارضه‏ى با مسئولان كشور نشود - كه الآن هم همين را تأكيد می‌کنیم؛ معارضه نبايد بشود - اين به معناى انتقاد نكردن نيست؛ به معناى مطالبه نكردن نيست؛ در باره رهبرى هم همينجور است. اين برادر عزيزمان ميگويد «ضد ولايت فقيه» را معرفى كنيد. خوب، «ضد» معلوم است معنايش چيست؛ ضديت، يعنى پنجه در افكندن، دشمنى كردن؛ نه معتقد نبودن. اگر بنده به شما معتقد نباشم، ضد شما نيستم؛ ممكن است كسى معتقد به كسى نيست. البته اين ضد ولايت فقيه كه در كلمات هست، آيه‏ى مُنزل از آسمان نيست كه بگوئيم بايد حدود اين كلمه را درست معين كرد؛ به هر حال يك عرفى است. اعتراض به سياستهاى اصل 44، ضديت با ولايت فقيه نيست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبرى، ضديت با رهبرى نيست. دشمنى، نبايد كرد. دو نفر طلبه كنار همديگر مى‏نشينند؛ خيلى هم باهم رفيقند، خيلى هم باهم باصفايند، همدرس هستند، مباحثه ميكنند، حرف همديگر را رد ميكنند؛ اين حرف او را رد ميكند، آن حرف اين را رد ميكند. ردكردن حرف، به معناى مخالفت كردن، به معناى ضديت كردن نيست؛ اين مفاهيم را بايد از هم جدا كرد. بنده از دولتها حمايت كرده‏ام، از اين دولت هم حمايت ميكنم؛ اين به معناى اين نيست كه همه‏ى جزئيات كارهائى كه انجام ميگيرد، مورد تأييد من است، يا حتّى من از همه‏اش اطلاع دارم؛ نه، لازم نيست. اطلاع رهبرى از آن مجموعه‏ى حوادث و رويدادهائى لازم است كه به تصميم‏گيريهاى او، به جهتگيريهاى او به انجام تكاليف وظائف او ارتباط پيدا ميكند، نه اينكه حالا از همه‏ى چيزهائى كه در محيط دولت و محيط كار وزارتخانه‏ها اتفاق مى‏افتد، بايد حتماً رهبرى مطلع باشد؛ نه، نه لازم است، نه ممكن است؛ موافقت با آنها هم لازم نيست. بعضى از اشخاص و بعضى از كارها ممكن است در مجموعه‏ى دولتى وجود داشته باشد كه صد درصد مورد اعتماد و مورد تأييد ماست، اما آن كار را ما تأييد نكنيم؛ چون دليل ندارد كه رهبرى وارد محيط اجرائى شود؛ به دليل اينكه مسئوليتها مشخص است و بايد مسئول، وزير، رئيس فلان مركز يا بنگاه فرهنگى يا اقتصادى، وظائف خودش را انجام بدهد. بنابراين ما به هيچ وجه انتقاد كردن را مخالفت و ضديت نميدانيم. بعضى تصور ميكنند كه ما چون از مسئولان كشور، از دولت محترم - كه واقعاً دولت خدمتگزار و باارزشى است؛ حقاً و انصافاً. كارهائى هم كه دارد انجام ميگيرد، مى‏بينيد؛ كارها جلو چشم است. بايد انسان بى‏انصاف باشد كه اهميت اين كارها را انكار كند - حمايت می‌کنیم، اين حمايت و اين طرفدارى، به معناى اين است كه انتقاد نبايد كرد، يا من خودم انتقاد نداشته باشم؛ ممكن است مواردى هم انتقاد داشته باشم».( بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامى در ديدار دانشجويان نخبه، برتران كنكور و فعالان تشکل‌های سياسى فرهنگى دانشگاه‌ها 17/07/1386)

به‌جای مطالبات تند و سیاست زده باید گفتمان سازی صحیح کرد و دایره انصاف و عدم خروج از اخلاق و منطق را در نظر گرفت. باید نقاط مثبت و منفی را دید، و به‌صورت واقعی، بخش مقدور از اجرای عدالت و پی‌گیری آرمان‌ها و انجام وعده‌ها را به مطالبه نشست، عقلانیت در مطالبه گری و پی‌گیری تخصصی مسائل نظام از مسائلی است، که مسئولین را نیز اگر قصد بر عدم انجام نداشته باشند به پی‌گیری یا پاسخگویی واخواهد داشت و در صورت عدم انجام آن بهانه را از دست آنان سلب خواهد کرد. به تعبیر رهبر انقلاب: «  يك سؤال اين بود كه آيا جريان دانشجوئى ميتواند آنجائى كه ايرادى به نظرش مى‌آيد، سؤال كند؟ پاسخ اين است كه بله، بايد سؤال كنيد. ايرادى ندارد كه سؤال كنيد؛ به شرط اينكه همان طور كه خود اين برادر هم گفت، قضاوت نكنيد؛ اما سؤال كنيد. بهترين روش سؤال و پاسخ هم اين است كه مسئولين بيايند توى مجموعه‌هاى دانشجوئى. من همين جا از مسئولين درخواست ميكنم كه ديدارهاى دانشجوئى‌شان را زياد كنند. امروز بهترين قشرهاى كشور اينهايند؛ هم جوانند، هم باسوادند، هم تحصيلكرده‌اند، داراى فهمند، داراى انگيزه‌اند؛ مسئولين بروند شركت كنند. اين سؤالات مطرح بشود، احتمالاً پاسخهاى قانع كننده‌اى هم خواهيد شنيد. كمااينكه خود من در برخورد با بعضى از مسئولين، احياناً بعضى از همين سؤالهاى شما يا سؤالاتى از اين قبيل را از آنها دارم. خوب، يك جوابى ميدهند، انسان احياناً قانع ميشود؛ ممكن هم هست جواب قانع كننده‌اى نداشته باشند. به هر حال طرح سؤال، خوب است. مراقبت كنيد طرح سؤال را مخلوط نكنيد و اشتباه گرفته نشود با معارضه. آن چيزى كه من قبلها هم گفته‌ام، بارها هم گفته‌ام، الآن هم ميگويم، اين است كه جريان دانشجوئى يا جنبش دانشجوئى يا هر چيز ديگر كه اسمش هست، تصور نكند كه وظيفه‌اش اين است كه با دستگاه متولى امر و متصدى اداره‌ى كشور معارضه كند؛ نه، اين خطاست؛ چه لزومى دارد؟ معارضه كردن كه كارِ هميشه درستى نيست؛ ممكن است يك جا درست باشد، يك جا درست نباشد. مهم اين است كه شما حرفتان را مطرح كنيد، استدلالتان را مطرح كنيد، پاسخ قانع كننده‌اى بخواهيد؛ مسئولين هم بايد پاسخ بدهند.» (بيانات در ديدار دانشجويان در یازدهمین روز ماه رمضان 31/05/1389) خیلی اوقات همین ایجاد فضاها و فضاسازی‌ها فضا را برای موضع‌گیری و حضور رهبری یا مسئولین سطوح پایین تر در موارد آرمانی یا برای مطالبه کردن از مسئولین فراهم می‌کند.

* **عدم سطحی‌نگری و خود متخصص پنداری**

وقتی کار دانشجویی صورت می‌گیرد، با توجه به روحیه‌ی آرمان‌خواهانه وسعت جهان ذهنی و زاویه‌ی دید دانشجو به نسبت یک مسئول و متخصّص که مزیت‌های بسیاری دارد، آسیب‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. يك آسيب مهم اين است كه افراد احساس كنند با يك عمق اندك راحت مي‌توانند در همه‌چیز اظهار نظر كنند و دچار سطحي‌نگري شوند كه بايد به آن دقت شود، ما در پی‌گیری تخصّصی مسائل نظام کلّیّتی از مسائل را درمی‌یابیم و به دنبال پی‌گیری آن در نظام می‌رویم، عمق و اطلاع ما از مسئله با کسی که عمری را در آن حوزه دنبال کرده است، ممکن است یکی نباشد. البتّه نباید این را دور از نظر داشت که همین جهان گسترده‌ی ذهنی دانشجو ورود به حوزه‌های مختلف، فرصتی را فراهم می‌کند که بعضی اوقات برای فردی که در آن حوزه صرفاً ممحّض شده و بعضاً به واقعیت‌های آن حوزه تن داده است، فراهم نیست. فرصت نگاه از بالا، درک یک مسئله در کنار مسائل دیگر، درک اولویت‌های نظام فارغ از تن دادن و پذیرفتن صرف وضع موجود، نگاه حل مسئله‌ای و انتقادی و....

* **عدم پیچیده کردن و تعمیق بیجای مسئله**

باید توجه کرد که همان‌گونه که نباید با سطحی‌نگری مسائل را فروکاست، نباید آن‌ها را پیچیده کرد. بسیاری مسائل هست که مسائل ساختاری و عوامل متعدد هم در آن دخیل هستند، اما بخشی از مسئله هست که با تدبیری از جانب مسئولین، فرهنگ‌سازی از جانب مردم و.... قابل حل هست. بسیاری هستند که در چنین مواقعی با عمیق و پیچیده کردن مسئله و با ذکر این که مسئله ابعاد مختلف دارد، یا باید برخورد ریشه‌ای کرد در برابر کارها می‌ایستند یا افراد را متحیر و منفعل می‌کنند. باید توجه کرد که همان سطحی از مسئله که از جانب مسئولین یا مردم یا رسانه‌ها قابل حل در شرایط فعلی است، باید محور گفتمان سازی و مطالبه قرار بگیرد. البته گاهی هست که مسئله‌ای فراتر از دوره فعلی قابل حل است و باید به میزان ممکن برای آن فضاسازی کرد و دست نسل های آتی را باز گذاشت و بر شانه کار نسل های پیشین دانشجویی و مردمی و رسانه‌ای در آن حوزه پا گذاشت.

* **عدم نردبان کردن پی‌گیری تخصصی مسائل نظام**

بعضی اوقات نیروهای فعّال در این عرصه، غنائم موجود در حوزه‌های تخصصی را می‌بینند، اُحد حضور در تشکل دانشجویی را رها می‌کنند، یا با استفاده از فرصت شناخته شدن به‌واسطه رسانه و ارتباط با مسئولین به دنبال رشد حبابی و نردبان کردن تشکّل دانشجویی می‌روند. باید توجه کرد، دوره‌ی دانشجویی یک دوره‌ی ضروری در زندگی فرد است، دوره‌ای که آرمان‌خواهی و هزینه دادن تجربه‌شده و نگاهی به مسائل کلان نظام در آن حوزه‌ی تخصصی ایجاد شود، نباید این حوزه را به بهانه‌ی وجود کارهای مهم در سیستم یا انجام کار جدّی‌تر واقعی رها کرد، یا صرفاً از این کارها وسیله‌ای برای رسیدن به پست و مقام و شغل و... استفاده کرد. چه بسیار بچه‌های فعال خوب دانشجویی که به خاطر رعایت نکردن این اصل از حیّز انتفاع ساقط شدند یا زندگی مثل مسئولینی که منتقد آن‌ها بودند ایجاد کردند، یا در مسیر آرمان‌خواهی در تشکل دانشجویی خلل ایجاد کردند، یا رشدی که لازم بود باتجربه کسب کردن و رشد علمی و پی‌گیری تخصصی مسائل نظام کسب کنند را با رشدی حبابی پیدا نکرده و تبدل به طبل توخالی شدند.

* **درک دوران رشد و پیشرفت کشور و عدم یأس**

آسيب ديگر نااميدي است، ممكن است كه بچه‌ها وقتي اوضاع خراب سياست‌گذاري هاي كلان كشور وضعیت بد صنعت و حکومت و جامعه را در بعضی یا بسیاری از حوزه‌ها ببینند، دچار يأس و سرخوردگي شوند ، ضروری است در این فرایند نقاط ضعف و قوت نظام و دستاوردهای نظام (علی‌الخصوص [قدرت نمادین و معنوی حاصل از رشد علمی و فنّاوری](http://ghiam.ir/?p=975)) یادآوری شود و همین‌طور فعّالان این عرصه باید توجه کنند، کشور ما بعد از تنها سه دهه از انقلاب ابتدای سير مراحل رشد و بلوغ را طي مي‌كند ، تمدن‌های دیگر مثل تمدن غرب بعد از سه-چهار قرن تلاش به وضعیّت فعلی رسیده‌اند. بازخوانی سخن رهبر معظّم انقلاب در این حوزه‌ها مفید است.

* + **اولویت پاسخ به نیاز لحظه‌های انقلاب به کارهای زیرساختی**

خیلی وقت‌ها افراد می‌گویند که باید کار زیرساختی کرد، به این بهانه از پاسخ به نیاز لحظه‌های انقلاب بازمی‌مانند. این افراد در بهترین حالت ارتباط با مسائل واقعی را از دست می‌دهند. در فضای انتزاعی رشد می‌کنند، خیلی اوقات هم چون متوجّه نیازهای لحظه نیستند، در قبال غفلت و رها کردن صحنه‌هایی که در لحظه نیازمند نقش‌آفرینی آن‌ها بوده مسئول‌اند. هم‌چنبن با خالی کردن صحنه‌ها، فشار نقش‌آفرینی در آن‌ها را به افرادی که احساس مسئولیت کرده‌اند، وارد می‌آید و آن افراد ممکن است از رشد جامع در عرصه‌هایی باز بمانند و خالی کنندگان صحنه در قبال آن مسئول‌اند. رهبر معظم انقلاب در سخنرانی معروف وحدت و تحزّب به همین مسئله اشاره می‌کنند: « نگاه نکنید به آن روشنفکر حرفه‌ای غیر متعهد که هیچ کار ندارد، می نشیند پشت میز کارش روزی چند ساعت بیانیه و مقاله و جزوه می‌نویسد. ….در زمان خود ما و در طول این دوران مبارزه، روشنفکرها بعد از آنکه جلسه شان را میرفتند، باشگاهشان را می رفتند، مهمانیشان را می رفتند، بورس تحصیلیشان و یا تحقیقی شان را از دولت شاهنشاهی می‌گرفتند و می‌رفتند و برمی‌گشتند، کارهای روزمره‌شان را انجام می‌دادند. در اداره یا مؤسسه‌ای کارشان را می‌کردند، سینما و گردش و تفریح عصرشان را می‌رفتند و خلاصه بعد از آنکه همه‌ی کارهای واجب و مستحب زندگی را انجام می‌دادند، دو، سه ساعتی هم می‌نشستند پشت میز کارشان آقاوار، تمیز، بی دغدغه پای کولر یا بخاری قلم می‌زدند. این خیلی کار آسانی بود. این غیر از آن روشنفکر مذهبی و یا بخصوص روشنفکر روحانی است که با مردم و در میان مردم است و توی برج عاج نیست. روشنفکر یعنی آن کسی که آن چیزهایی را می بیند که مردم نمی بینند، کسی که از سطح بالاتری دارد نگاه می‌کند، مشرف بر مسائل است. جهت‌گیری ها را می بیند. دشمن ها را می بیند. دشمنی را می شناسد. اوظیفه دارد که زودتر از هرکس دیگر فریاد بزند. خروش برآورد. مردم را بسیج بکند و خانه ای را که دشمن در آن سنگر گرفته تصرف کند. و دزدها را بیرون بریزد؛ اما نمی‌کند. او مشغله ها و گرفتاری ها، دردها و انگیزه های دیگر دارد. روشنفکر حرفه ای ما تا نیمه‌ی شب در باشگاه، در کلوپ، در کافه گذرانیده، قهوه اش را خورده، شور علی اف و سمفونی پنجم بتهوون را گوش کرده، درباره‌ی مسائل آفریقا و آمریکای لاتین گپ فراوانی زده و حالا با وجدان آسوده! آمده خانه و می خواهد بخوابد. اوقت آمدن به داخل صحنه را ندارد. .. اما روشنفکر مذهبی درست عکس این است...او در میان مردم است. با صدها گونه خواسته و توقع مردم روبرو است. برای او با مردم و در میان آن‌ها بودن خودش کاری، و کار مهمی است. پس وقت آن را که از سَر صبر و حوصله به قلم زدن بپردازد، ندارد. هزار مسئله برایش مطرح است. هزار درد، هزار سئوال، هزار نیاز در برابرش قرار می گیرد. مشغله های نقد، او را از پرداختن به طرح های درازمدت و غیر نقد باز می دارد. این از جهتی خسارت است و در این شک نیست. اما خسارت اجتناب ناپذیری است...» (15 خرداد 1358 در دانشگاه جندی‌شاپور)

اساساً فرآیند تولید علم فرآیند ایزوله و کتابخانه‌ای نیست. به تاریخ علم در حوزه‌ای مختلف هم که بپردازیم، چه در حوزه‌ای عمیق معرفتی چه در حوزه‌های فنی و تکنیکی این مسئله قابل ردیابی است که در پاسخ به سؤال‌های روز یا حتی سؤال‌های منطقه‌ی دانشمندان این حوزه‌ها کار شکل‌گرفته است. مثلاً بحث‌های دورکهیم و بوردیو در جامعه‌شناسی در بررسی پاریس دوره‌ی خودشان شکل‌گرفته، بحث‌های مارکس در نقد آلمان دوره‌ی خودش، پیشرفت نجوم مسلمین در پاسخ به نیاز جهت‌یابی و زمان‌یابی و... بوده، حوزه‌های فنی و پزشکی نیز چنین است. یکی از دلایل به ثمر نرسیدن بسیاری از بحث‌های مربوط به علم دینی و بومی در سی سال گذشته همین مسئله‌ی عدم مسئله محور بودن عالمان مختلف فنی و پزشکی و انسانی و سایر حوزه‌های ماست. اساساً مهم‌ترین فرايند توليد علم، فهم مسئله است و یکی از بهترین مسیرهای آن در فرايند مطالبه‌گري محقّق مي‌شود. فعّالان تشكل‌هاي دانشجويي در صورت پي‌گيري مسائل اساسي بخش تخصصي خودشان بهترين افراد در فهم مسائل بومي خود هستند و مستعدترين افراد براي توليد علم بومي و پيشرفت كشور، علاوه بر آن بر اساس نیاز می‌فهمند احتیاج به کار کردن بیش‌تر در کدام بخش مبانی یا نقد عمیق‌تر کدام بخش دستاوردهای فکری و علمی بشری دارند و صرفاً به برف‌انبار کردن مبانی مفاهیم و تورم اندیشه و مطالعه بدون حاصل و متشتّت نمی‌پردازند.

* **عدم پرداختن به سنگ بزرگ**

یک مسئله‌ی مهم پروژه نکردن کار و شروع كار از کارهای كوچك است. معمولاً كارهاي كوچك و ادامه‌دار منجر به اثرگذاري‌هاي بزرگ خواهد شد. سنگ بزرگ نشانه نزدن است، بسیاری کارها در محیط دانشجویی به علّت عدم رعایت این مسئله به بهانه‌های واهی مثل ضرورت بررسی همه‌ی جوانب یا انجام کار در شأن مجموعه و... از بین می‌رود. به تعبیر زیبای روایت: «قلیل یدوم حیث خیر من کثیر لا یدوم، کار کوچکی که تداوم بیابد بهتر از کار بزرگ بی‌تداوم است».

* **توجه به قوانین، اسناد و نهادهای مربوط**

باید به قوانین، اسناد و نهادهای مربوط به هر رشته یا بحث مورد نظر پرداخت. اسناد بالادستی مثلاً نقشه جامع علمی، سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف، قوانین پایه و آیین‌نامه‌ها و همه‌ی نهادهای رسمی و غیررسمی و... را می‌توان در این پی‌گیری‌ها مورد توجه قرار داد و خیلی وقت‌ها این اسناد و قوانین، مسیرهای مطالبات را مشخص می‌کند.

* **مشکلات ویژه‌ی علوم انسانی‌ها**

در علوم انسانی و به تبع آن هنر، ما با مشکلات دو چندان مواجهیم که به ماهیت رشته‌ها برمی‌گردد.

* تفاوت مبانی علوم انسانی در اکثر رشته‌ها با مبانی دینی و عدم لحاظ شدن اقتضائات بومی درون آن
* عدم درک ارتباط مستقیم بین بعضی رشته‌ها با مسائل تخصصی نظام

این اشکالات موانع بسیاری را ایجاد کرده است.

* بی‌انگیزگی دانشجویان مسلمان و انقلابی از خواندن علوم انسانی به خاطر تفاوت مبانی و ترس از گمراه شدن و [انزوای اساتید  و دانشجویان انقلابی به خاطر جو غالب](http://ghiam.ir/?p=787)  غیر و حتی ضد بومی و دینی
* سرگرم شدن در نقد غرب و علوم انسانی غربی به‌ویژه با [نگاه‌های متفاوت با نگاه مکتب معیار انقلاب در غرب‌شناسی](http://ghiam.ir/?p=519)
* سرگرم شدن در جلسات مربوط به بحث‌های فلسفه‌ی علمی از جنس امکان و نفی علم دینی
* انجام حرکت‌های روتین و عادی دانشجویی
* سرگرم شدن به مباحث زیرساختی و دوری از مسائل نظام و بی‌توجهی به نیازهای حال جمهوری اسلامی و انقلاب

برای حل این مسائل چه باید کرد؟

* باید نگاه ترویجی موجود در تشکّل‌ها به علوم غربی و غرب‌شناسی تغییر کند. ما در یک تشکّل دانشجویی باید حجت داشته باشیم و مواردی را ترویج کنیم که با نگاه مکتب معیار انقلاب و نگاه بنیان‌گذاران انقلاب هم‌خوانی دارد. بر این مبنا غرب‌شناسی‌ها و موضع‌گیری‌های ناهم‌خوان با این نگاه، گرچه در مقام علمی جای بررسی و نقد و استفاده دارد، از نظر تشکّل نباید به‌عنوان نگاه معیار و بی‌توجه به نقد آن، ترویج شود.
* بین وظیفه‌ی درازمدت تبدیل به مجتهد در علوم انسانی وظیفه‌ی کوتاه‌مدت تشکیلاتی دانشجویی، تفاوت گذاشته شود. و به اقتضائات این لحظه‌ توجه شود.
* ايجاد نشاط علمي در فضاي دانشگاه و فرهنگ‌سازی نو اندیشی و نوآوری و تقویت روحیه‌ی پرسشگری علمی و ایجاد فضای تضارب آراء ، ايجاد جرئت علمي در فضاي دانشگاه و مطالبه‌ی علمی و دیده شدن آدم‌های جبهه‌ی انقلاب و محصولات و کارهای‌شان یک اولویت جدی است. این اقدام می‌تواند با بازخوانی و نقد و فروش کتاب‌ها و مقالات و محصولات اساتید انقلابی حرف‌دار مرتبط با هر حوزه‌ی تخصصی و کرسی آزاداندیشی و نظریه‌پردازی و نقد و مناظره،  نقد و بازخوانی بحث‌های چهره‌های انقلابی و دینی در حوزه‌ی مورد نظر اتفاق بیفتد.
* مسائل نظام به‌صورت جدی مطرح‌شده و تلاش شود اساتید و چهره‌های حرف‌دار هم ناظر به نقد نظریات غربی و هم اثبات مبانی دینی تلاش کنند چاره‌جویی‌هایی انجام بدهند.
* اکثر رشته‌های علوم انسانی به‌صورت مستقیم به نوعی با مسائل عینی نظام و جامعه و امت اسلامی درگیرند. از مسائل اقتصادی تا سیاسی تا فرهنگی و اجتماعی و.... برای هر یک می‌توان مواردی را لیست کرد. بعضی از این رشته‌ها که ماهیت نظری‌تر دارند مثل زیرشاخه‌های الهیات و فلسفه و تاریخ و... باید به سراغ مسائل اصلی فکری مورد بحث آن حوزه‌ی تخصصی بیایند. مثلاً در چند سال اخیر شبهاتی در مورد فلسفه از جنب اخباریان، تفکیکی‌ها، پست مدرن‌ها و... ایجادشده، تشکل دانشجویی دانشکده‌ی فلسفه و فلسفه‌ی اسلامی وظیفه‌ی بحث و نقد و روشن کردن این مسئله را دارد. یا فلان دعوای تاریخی در مورد تاریخ معاصر یا تاریخ اسلام و... باید در محیط دانشکده‌ی تاریخ بحث شود، مثلاً در سال فتنه در مورد امکان یا عدم امکان تطبیق حوادث جاری با حوادث تاریخ اسلام بحث شده بود و... [رشته‌های زبان عرب و زبان خارجه و رشته‌های مشابه](http://ghiam.ir/?p=1219) علاوه بر مطالب‌گری مسئولیت‌هایی در برقراری ارتباط با جهان اسلام دارند.
* بسیاری از رشته‌هایی که نظری و دور از فضای عینیّت به حساب می‌آیند، هم ماهیت‌شان به گونه‌ای است که می‌توانند در این زمینه فعال شوند، مثلاً مسئله‌ی قانون مجازات اسلامی از دانشکده‌ی فقه، علوم قرآن و حدیث، علم اجتماعی، حقوق، علوم تربیتی و... را می‌تواند درگیر کند.
* باید توجه کرد که تأکید به مسئله محوری به معنای غرق شدن در فضای پوزیتیویستی موجود در علوم انسانی نیست. برای مسئله محوری در این موارد ناچار باید از اقتضائات بومی و مبانی دینی نیز در کنار دانش موجود بشری و نقد آن سود جست، اما باید توجه کرد که کار زیرساختی در مورد نقد دستاوردهای فکری و علمی بشری و اثبات مبانی دینی در علوم انسانی نباید ما را از پرداختن به ضلع سوم یعنی اقتضائات بومی و پرداختن به مسائل نظام و جامعه و امت اسلامی بازدارد.
* **معضل خاصّ دانشجویان رشته‌های با مدّت تحصیل طولانی**

دانشجویان رشته‌هایی که زمان تحصیل آن‌ها طولانی است، مثل رشته‌ پزشکی یا دکترا و یا ارشد پیوسته نظیر بیوتکنولوژی شرایط ویژه‌ای دارند. نمی‌توان از این دانشجویان انتظار داشت، در تمام طول دوران تحصیل به یک گونه عمل کنند. سال‌های ابتدایی تحصیل این رشته‌ها مثلاً در پزشکی تا ابتدا یا میانه دوره‌ استیجری در عمل مثل یک دانشجوی فعال تشکلی در یک تشکل دانشجویی می‌تواند طی شود، اما بعد از دوره انترنی و دستیاری و... باید مثل نگاه به دانشجوی تحصیلات تکمیلی با این رویه رو به رو شد. البته در موارد نادری هست، که دانشجویانی در این دوره‌ها مثل موارد نادر دانشجویان تحصیلات تکمیلی آمادگی نقش‌آفرینی دارند، یا با مواجهه با مسائل واقعی در بیمارستان یا مکان‌هایی که برای تحقیقات، کارورزی و.... حاضر می‌شوند، مواردی برای پی‌گیری تخصصی مسائل نظام می‌یابند و ممکن است به‌صورت محدود با آن رو به رو شوند. یا به‌صورت نمونه این گروه با ورود در فضای پژوهشی به مسائلی در مورد مدیریت پژوهشی در نظام آموزشی و پژوهشی کشور می‌رسند و می‌توانند در این موارد وارد گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری شوند، یا بدنه فعال تشکل‌ها را از موارد لازم برای پی‌گیری و مطالبه‌گری تغذیه نمایند.

* **نگاه درست داشتن به وجهه علمی تشکل**

باید توجه کرد که ضلع اصلی وجهه علمی تشکل در دانشگاه و کشور این است که اساتید، دانشجویان، مسئولین و... ببینند تشکل دانشجویی دنبال مسائل تخصصی رشته تحصیلی‌اش هست. به‌جای درگیری‌های سیاست‌زده و جناحی، دغدغه‌ها و مطالباتش مسائل واقعی و تخصصی کشور است. اعضای تشکل هم به تبع درگیر واقعیت‌های تخصصی رشته خود شدن و نگاه از بالا پیدا کردن از بقیه هم رشته‌ای‌ها و حتی استادهای انتزاعی(که اکثریت اساتید را تشکیل می‌دهند) یک سر و گردن بالاتر می روند. این وجهه تشکل دانشجویی را اصلاح می‌کند. طبیعتاً این که بچه‌های تشکل دانشجویی درس‌خوان باشند‬، خیلی موثر است، اما تقلیل کارهای مجموعه به صرف درس‌خوان بودن نه چیزی را حل می‌کند، نه به‌صورت عادی محقق می‌شود، چرا که بیش‌ترین مشکل افت تحصیلی‌ها به مشکل انگیزه برمی‌گردد.

پی‌گیری تخصصی مسائل نظام بچه‌ها را با مسائل عینی انقلاب و نظام، درگیر می‌کند و لذا احساس می‌کنند درس خواندن‌شان هم مؤثر و مفید است. انجام بسیاری کارهای دیگر نظیر همایش‌های تخصصی، مسابقات و ژورنال راه انداختن و.... عملاً آورده‌ای برای تشکل و اعضای آن و حتی در اکثر موارد انقلاب اسلامی ندارد. حتی اگر مورد تقدیر اساتید، مسئولین و... واقع شود. این به معنای نفی مطلق کارهایی برای ارتقای درسی اعضای مجموعه یا انجام بعضی حرکت‌های درسی که به‌ویژه در دانشکده‌های فنی و علوم پایه صورت می‌گیرد مثل ارائه بعضی خدمات درسی و آموزشی نیست. به این معناست که اگر کارویژه اصلی انجام شود، بسیاری از کارهایی که به دلیل عدم انجام کارویژه اصلی، اصل شده‌اند خودبه‌خود نیازشان مرتفع و در اکثر موارد موضوع‌شان رفع می‌شود، که احتیاج به دوپینگ برای کم کردن فاصله‌ها نباشد.

* **نگاه درست به فرآیند جذب افراد به تشکل**

باید به‌جای نگاه غلط و کاریکاتوری به جذب افراد، به صرف این‌که مدل خاصی از کارها طالب دارند، توجه کرد، آن‌چه زمینه جذب افراد را فراهم می‌آورد، جامعیت یک مجموعه و توجه به وظایف مختلف است. همین مسئله را به‌صورت موازی در کارهای سیاسی و فرهنگی هم موجود است، که به صرف این‌که مثلاً دانشجویانی جذب کارهای زرد فرهنگی مثلاً دعوت فلان مجموعه ژانگولر بازی و مجری تلویزیونی می‌شوند یا ... مدل کار سامان بیابد. حالا هم چون یک عده صرفاً جذب انجام فلان کار تخصصی می‌شوند، یک مجموعه خود را در آن چارچوب تعریف کند، به همین نگاه غلط برمی‌گردد. اگر کارویژه درست پی‌گیری تخصصی مسائل نظام شکل بگیرد، افراد هم با فضای جدید گره خواهند خورد. البته باید هم توجه کرد تشکل مسئولیت جذب همه افراد به مجموعه را ندارند. شاید در عرصه‌هایی همین نگاه از بالا دادن و پی‌گیری تخصصی مسائل نظام، خود زمینه‌سازی نشاط و کسب قدرت علمی و جهت‌یابی درست تخصصی کل بدنه دانشگاه را فراهم می‌کند. یک وقت هست، که وظیفه اصلی علمی که پی‌گیری تخصصی مسائل نظام هست، انجام می‌شود، بیش‌تر از این ظرفیت و توان وجود دارد، می‌توان به فضاهایی فراتر از پی‌گیری تخصصی مسائل نظام فکر کرد، اما آن قدر نظام و انقلاب مسئله دارد، که در اکثر موارد جایی برای مواردی از این دست نمی‌ماند. در بسیاری از این موارد باید تلاش کرد، این مجموعه‌ها را به سمت پژوهشکده‌های دانشجویی که رهبر انقلاب شکل‌گیری سازوکارش را از وزارتین علوم و بهداشت (نه تشکل‌های دانشجویی) مطالبه کردند، شرکت‌های دانش‌بنیان یا .... هدایت کرد.

* **اضطرار و کارهای بر زمین مانده**

گاهی اوقات هست که انقلاب در مسئله خاصی به اضطرار می‌رسد، مطالبه و پی‌گیری جدی هم از نهادهای مسئول انجام می‌شود، اما این نهادها کار خود را نمی‌توانند انجام دهند، و انقلاب به‌صورت عینی در حوزه‌ای به چالش برمی‌خورد، که ضررهای جدی به آن وارد می‌شود، مثل دوران دفاع مقدس، این‌جا ممکن است ورود محدود به یک مسئله موضوعیت و توجیه پیدا کند. با توجه به جنگ اقتصادی و مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی ممکن است در این حوزه‌ها مسائل خاصی مطرح شود، کما این که بعضی موارد مربوط به تحریم همین‌گونه از دل مجموعه‌های دانشجویی حل مسئله‌اش هم جوشید. اما تجربه نشان داده است، که در اکثر موارد چنین نیست، مثلاً این که نظام باید در 1404 کشور اول منطقه در حوزه علم و فناوری باشد و نهادهای مسئول کم‌کاری می‌کنند، بهانه برای این‌که خب خود ما وارد مدیریت تحقیقات در حوزه‌هایی خاص بشویم نیست. ما باید کاری کنیم که به‌جای این که یک گردان بفرستیم یک منطقه کوچکی که اکثراً هم محاصره شده است با کم‌کاری و نخواستن و نتوانستن و ندانستن‌ها تیپ‌ها و لشکرهای نظام و دانشگاه به سراغ خل آن مسائل بیابند. یا در مورد اردوهای جهادی (که کاریکاتوری از اقدام گسترده و سازمانی جهادسازندگی آن هم در ماه‌های آغاز انقلاب است)، یک راه این است که فقط برویم بیل بزنیم، فلان کار فرهنگی را بکنیم و... که به‌جای خودشان کارهای لازم و مفید و موجب آشنا شدن با درد محرومین و ارتباط برقرار کردن با آن‌هاست، ولی در اکثر موارد نیاز جدی از آنان برطرف نمی‌کند. باید به سمت این رفت که مثل کاری که جهادسازندگی در سال‌های بعدی می‌رفت، کاری می‌کرد روستاییان توانمند شوند، یا مشکلات ساختاری توسعه روستایی برداشته شود، سازوکار را اصلاح کرد و کاری کرد خود روستاییان فعال شوند.

* **توجه به موانع و ذی‌نفعان در هر مسئله**

بسیاری از موارد هست که صرفاً مشکل از سازوکارهاست، مثلاً استفاده از فناوری اطلاعات و سیستم‌های یک‌پارچه تحت وب یا .... بسیاری از مسائل را حل می‌کند، اما بسیاری از موارد هم هست که این‌گونه نیست، ذی‌نفعان و موانعی دارد، باید بسته به شرایط هر مسئله برخورد خاص را اتخاذ کرد. نباید به دنبال این بود که همه‌چیز را ساختاری کرد، از سویی نباید همه‌چیز را هم احاله به این کرد که ذی‌نفعی وجود دارد، بسیاری از اوقات دست گذاشتن روی سازوکار بساط ذی‌نفعان را جمع می‌کند، اما گاهی هم همین ذی‌نفعان جلوی اصلاح سازوکار ایستاده‌اند که باید بدون این که تبدیل به یک طرف پرونده‌ها و موارد شد، فضاسازی رسانه‌ای یا توجیه مسئولین ایجاد کرد، که موانع کار برچیده شود.

* **مستندسازی و خدمات پس از فروش**

انجام کار بخشی از مسئله است، اما اگر همین فرآیند مستندسازی نشده و ظرفیت‌های فراگیری و ماندگاری و ایجاد فشار افکار عمومی و رسانه‌ای برای آن انجام نگیرد، ابتر می‌ماند. لذا هم ضرورت دارد کار مستندسازی و به نسل‌های بعدی دانشجویی و در اولویت بعدی حتی احیاناً مجموعه‌‌های دیگر فعال در موضوع مورد نظر مثل کانون‌های تفکّر، معاونت‌های پژوهشی و... منتقل شود و افراد مجبور نشوند همه از صفر و اختراع دوباره‌ی چرخ آغاز کنند و مسیرهای طی شده، آزمون و خطاها و... تکرار نشود. هم‌چنین با رسانه‌ای کردن کار موجب یادگیری بقیه، فشار آوردن برای تحقق مسئله، گفتمان‌سازی و ایجاد ظرفیت‌های جدید می‌شود که گاهی اوقات اهمیت این کار مهم‌تر از خود کار و نقش‌آفرینی دانشجویی است.

**فصل پنجم: نمونه‌های موفق در فرایند یا نتیجه**

حال این سؤال مطرح می‌شود که فارغ از بحث نظری و مبانی آرمانی در کنار آدرس‌های غلط، نمونه‌های موفّق نیز در محیط دانشجویی نیز وجود داشته است؟ مواردی که فرایند پی‌گیری تخصصی مسائل نظام را درست طی کرده‌اند، از این‌گونه موارد بسیار هست،  فارغ از امکان نقد محتوا، فرآیند و نتیجه‌ی این کارها نفس ورود تخصّصی به موارد قابل تأمّل است. ‌بعضی از این کارها به نتیجه‌ی مؤثّر رسیده‌اند، بعضی هم نرسیده‌اند. بعضی از این اقدامات را افراد در حوزه‌ی تخصصی رشته‌ی خود انجام داده‌اند، بعضی از این اقدامات در حوزه‌ی تخصصی آن‌ها نبوده است، امّا پی‌گیری تخصّصی مسائل نظام، صورت گرفته است. به‌صورت مشت نمونه‌ی خروار می‌توان بعضی از کارهای پر سر و صداتر را بازخوانی کرد. (البته به دلیل عدم مستندسازی و یا در دسترس نبودن مستندات بسیاری از کارهای انجام‌شده در شهرستان‌ها در این مجموعه نیست که می‌تواند با ارسال آن‌ها در تکمیل این مجموعه کمک کرد).

* **مبارزه با بازاریابی شبکه‌ای**

در سال 83 و 84 در کشور پدیده‌ی جدیدی در حال رشد بود. شرکتی به نام گلدکوئست در حال عضوگیری ‌گسترده بود، و با جذب افراد در بازاریابی شبکه‌ای هزینه‌های هنگفتی را وصول می‌کرد، آثار سوء بسیاری بر آن مترتب بود، و جمع بسیاری از مردم و اکثریت دانشجویان حتّی نیروهای معتقد جذب گلدکوئست و شرکت‌های مشابه می‌شدند(حتی بعدها نمونه‌های مشابه وطنی با هدف گرفتن نیروهای مذهبی تولید شد). بحث در این زمینه در واحد اقتصاد مهندسی چند نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشکده‌ی فنّی دانشگاه تهران موجب شد تا تیمی در این زمینه شکل بگیرد، با رصد مسائل مربوط، مشورت با کارشناسان آثار سوء مسئله استخراج شد. ستاد ملی مبارزه با بازاریابی شبکه‌ای شکل گرفت، دانشجویان خارج از بسیج و تشکل‌های همسو حتّی بعضی نیروهای غیر تشکیلاتی همراه شدند. ابتدا با برگزاری چند همایش تخصّصی (که با حمله‌ی اعضای گلدکوئست به جنجال کشیده شد) کار کلید خورد و سپس انتشار چندین بیانیه، استفتاء از مراجع، یک نشریه‌ی تحلیلی و چندین نشریه‌ی اطلاع‌رسانی، راه‌اندازی یک سایت مرتبط با مسئله( (http://www.nms.ir، نامه به نهادهای مسئول و تشریح مسئله مثل قوه‌ی قضائیه، مرکز پژوهش‌های مجلس، نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، وزارت علوم و.... برگزاری جلسات متعدد با مسئولان امر، تهیه‌ی مستند از آثار گلدکوئست و.... پیش‌رفت. هم مسئله غیرقانونی اعلام شد، هم قانون آن در مجلس به تصویب رسید، هم موج رجوع به آن به‌ویژه در دانشگاه فروکش کرد.

* **نقد صدا و سیما**

تابستان 81 چند دانشجوی عضو مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه علم و صنعت به این نتیجه رسیدند که یک از مهم‌ترین مشکلات کشور، نبود یک چارچوب درست نسبت به‌ضرورت‌های لازم برای پی‌گیری وضعیت صدا و سیماست. این افراد به‌صورت فشرده در چند هفته با بررسی صحبت‌های امام و رهبری و کارشناسان انقلابی درباره‌ی صدا و سیما و برگزاری جلسات مرتبط کارشناسان مختلف، به جمع‌بندی رسیدند و در نهایت خروجی در قالب یک بیانیه‌ی تحلیلی منتشر شد. این بیانیه آن قدر عمیق و دقیق بود که تا سال‌ها بعد به‌عنوان مرجعی برای نقد درست و اولویت‌های اصلی صدا و سیما واقع می‌شد.

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) نیز در طول سال‌های 85 تا 87 چندین همایش تخصصی با محوریت دین در چشم شیشه‌ای برگزار کرد و ضمن ارائه‌ی بحث صاحب‌نظران با دعوت از مسئولین صدا و سیما با حضور رییس و سایر مدیران عالی سازمان در جلسه‌هایی به نقد عملکرد صدا و سیما پرداخت.

* **پی‌گیری مسائل تخصصی حوزه‌ی نفت**

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی شیمی و عمران پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران با برگزاری جلساتی در سال 1386 تلاش کرد تا مسائل اصلی حوزه‌ی نفت کشور وزارت نفت را بررسی کند.

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) در تابستان سال1389 با برگزاری یک دوره‌ی آموزشی در مورد نفت، یک بیانیه‌ی تحلیلی در مورد مسائل اصلی حوزه‌ی نفت منتشر کرد.

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی نفت دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال 1390 با برگزاری جلساتی با کارشناسان نفت مدیرکل امور بین‌المللی وزارت نفت را به دانشگاه دعوت کرد و در جلسه‌ای چالشی به نقد سیاست‌های بازاریابی وزارت نفت در شرایط تحریم پرداخت.

* **پی‌گیری وضعیت کارگران**

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه علّامه در سال 1387 و همزمان با زمزمه‌های تغییر قانون کار میزگردهایی در این زمینه برگزار کرد. جنبش عدالت‌خواه دانشجویی نیز گزارش‌هایی در این زمینه منتشر کرد. در سفر به شهر خمین نیز با برگزاری جلسه‌ی مطالبه از مسئولین در مورد کارخانه‌ی تعطیل‌شده، به برگزاری تجمع مقابل آن پرداخته شد.

* **مبارزه با دانشجوی پولی**

دانشجوی پولی در طول دهه‌های هفتاد و مشخصاً هشتاد یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در کشور بود، بعد از اعتراضات جسته‌وگریخته، اعضای مجمع دانشجویان عدالت‌خواه دانشگاه صنعتی اصفهان در سال 1383 اقدام به تهیه‌ی یک گزارش تحلیلی در مورد آثار پذیرش دانشجوی پولی پرداختند که در قالب گزارش تفصیلی شورای دانشجویی مبارزه با پولی شدن دانشگاه‌ها منتشر شد، این گزارش به‌صورت گسترده در نهادهای مختلف توزیع شد و بعدها تحصّن دانشجویی مقابل مجلس شورای اسلامی شکل گرفت. گرچه این اعتراض به سرانجام نرسید، اما گزارش دانشجویی محور بحث شد و حتّی رییس وقت کمیسیون آموزش مجلس هفتم (که خود از حامیان جدی دانشجوی پولی بود)، از تهیّه‌کنندگان این گزارش تحلیلی به خاطر تنها بررسی علمی مسئله تشکر کرد.

* **پی‌گیری وضعیت آموزشی گروه‌های علمی دانشگاه**

بسیج دانشجویی دانشکده‌های برق و مکانیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال 1391 با برگزاری جلساتی با معاونین و مسئولین آموزش دانشکده‌های خود به آسیب‌شناسی آن پرداختند.

مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه  علم و صنعت با ساخت مستندی در سال 1390 به آسیب‌شناسی وضعیّت آموزش عالی و مشخصاً دانشگاه علم و صنعت پرداخت.

* **مقابله با ساخت و سازهای خلاف اصول در تهران**

بسیج دانشکده‌ی شیمی و عمران پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران در سال 1384 پس از بررسی چند واقعه از جمله ساخت و سازهای غیر اصولی حاشیه‌ی تهران با مشورت بعضی اساتید و پی‌گیری بعضی دانشجویان بیانیه‌ای تحلیلی خطاب به مسئولین شهرداری تهران منتشر کرد. هم‌چنین با تعریض غیر اصولی خیابان ولیعصر بیانیه‌ی تخصصی دیگری با بسیج دانشکده‌ی هنرهای زیبا (که واجد رشته‌ی معماری بود)، منتشر شد.

* **پی‌گیری تخصصی مسائل نظام در حمایت از فلسطین**

در تابستان 1385 با حمله‌ی اسرائیل به غزه و پس از آن جنگ 33 روزه، حرکت‌های دانشجویی مختلفی کلید خورد. بعضی تشکل‌های دانشجویی پس از انجام اقدامات معمولی مثل تجمع مقابل سفارتخانه‌ها و کنفرانس خبری و تجمع نمادین لب مرز به این فکر افتادند که ببینند به لحاظ قانونی چه ظرفیت‌هایی برای پی‌گیری مسئله‌ی مقاومت اسلامی در داخل کشور هست. بعد از بررسی مشخص شد چند قانون مشخص داریم که دوظیفه‌ی کمتر توجه شده‌ی تحریم کالاهای صهیونیستی وظایف فرهنگی را شامل می‌شود. همین قضیه مقدمه‌ی مطالبه در هر دو محور شد. در محور دوم با ارسال نامه خطاب به مسئولان اصلی فرهنگی کشور سؤالاتی نسبت به عملکرد آن‌ها صورت گرفت و در خواست جلسه برای نقد و پی‌گیری جدی‌تر شد، با موافقت مسئول حوزه‌ی هنری به‌عنوان یکی از چهار بازوی اصلی فرهنگی کشور جلسه‌‌ای با وی برگزار شد. برای برگزاری این جلسه با مشورت از قریب بیست تن از اساتید و فعالان جبهه‌ی فرهنگی انقلاب مجموعه راه‌کارهای ممکن حوزه‌ی هنری استخراج شد و مورد مطالبه قرار گرفت. جنبش عدالت‌خواه، بسیج دانشجویی دانشگاه امیرکبیر، تشکل‌های دانشجویی دانشگاه امام خمینی قزوین، انجمن دانشجویان حامی قدس شریف، جنبش دانشجویان جهان اسلام و... نیز حرکت‌های مختلفی را برای مبارزه با کالاهای صهیونیستی اعم از همایش، نامه، جلسه‌ی مطالبه، بیانی، تبلیغ، گزارش تحلیلی، تجمع، راه‌اندازی سایت و.... انجام دادند.

* **پی‌گیری وضعیت علم و فناوری در کشور**

شورای علمی بسیج دانشجویی یکی از دانشکده‌های فنی کشور، [طی نامه‌ای به مقام معظم رهبری](http://ghiam.ir/?p=826) نسبت به یکی از تحقیقات ارائه‌شده به ایشان از جانب مسئولین در مورد وضعیت علم و فناوری کشور - که در یکی از بیانات معظم له مورد اشاره‌ قرار گرفته بود انتقاداتی را مطرح کردند. مدتی بعد یکی از معاونین دفتر امام خامنه‌ای طی نامه‌ای خطاب به شورای مذکور از قول معظم له چنین پاسخ گفتند که «از تذکر شما کاملاً متشکرم». این نامه یک سال بعد در رسانه‌ها منتشر شد.

* **پی‌گیری تخصصی مسائل نظام در انتخابات**

در پایان دولت اصلاحات و در حوالی انتخابات محل هفتم رییس‌جمهور وقت بیانیه‌ای تحت عنوان برای فردای ایران منتشر کرد. بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) به فاصله‌ی یک روز با کار کارشناسی فشرده با مشارکت اساتید و دانشجویان جوابیه‌ای خطاب به رییس‌جمهور وقت منتشر کرد، که حاوی جوابی به موارد تخصصی مغالطه‌آمیز بود.

در انتخابات ریاست جمهوری سال 1384 و 1388 جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در ابتکاری با مشاوره با کارشناسان حوزه‌های مختلف به طرح سؤالات تخصصی در حوزه‌های آموزش‌وپرورش، سیاست خارجی، کشاورزی، مفاسد اقتصادی و.... بیانیه‌های تخصصی منتشر کرد و از کاندیداها دعوت کرد به سؤالات تخصصی در این عرصه پاسخ بگویند. .بسیج دانشجویی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران نیز تلاش کرد تا با دعوت از کاندیداها به‌صورت مشخّص در حوزه‌ی اقتصاد، برنامه‌های آن‌ها را به بررسی بگذارد. در انتخابات نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی نیز بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران با انجام کار تحلیلی در مورد الزامات نظام سلامت و فرصت‌های مجلس برای پی‌گیری آن با انتشار بیانیه و دعوت کاندیداهای لیست های مختلف دو جلسه‌ی چالشی با آن‌ها در مورد اولویت‌های کمیسیون بهداشت و درمان مجلس برگزار کرد.

بسیج دانشجویی دانشکده علوم سیاسی و حقوق و هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال 1386 همزمان با انتخابات شورای شهر، اقدام به انتشار بیانیه تحلیلی در نقد عملکرد شورای شهر دوم تهران کرد و در حوزه‌های مختلف، عمرانی، حقوقی، معماری، فرهنگی و.... نکاتی مورد توجه برای رأی دادن و شورای شهر سوم منتشر کرد.

بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در انتخابات ریاست جمهوری دوره‌یازدهم با برگزاری سلسله جلسات تدبیر جمهور تلاش کرد تا نشست‌های تخصصی با نمایندگان کاندیداها یا خود آن‌ها با موضوعات مختلف برگزار نماید، بسیج دانشجویی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی نیز تلاش کرد تا با برگزاری سلسله نشست‌هایی با موضوع اقتصادی همین کارویژه را انجام دهد.

بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف نیز با چاپ جزواتی به نام شاخص و انتشار آن در اینترنت و به‌صورت محدود در فضای حقیقی، تلاش کرد در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... شاخص‌هایی برای ارزیابی برنامه‌ها و سخنان کاندیداها و موارد ضروری برای پی‌گیری از جانب تشکل‌های دانشجویی معرفی کند. اعضای شورای پی گیری مطالبات رهبری در کشاورزی با پرسش سؤال‌هایی از نمایندگان کاندیداها در این دوره در نشست‌های رایج سیاسی تلاش کردند موضوعات کشاورزی را وارد این نشست‌ها کنند که بعضی از آن‌ها نیز به موارد جنجالی و خبری تبدیل شد.

* **پی‌گیری سیستماتیک وضعیت حجاب و عفاف**

جمعی از تشکل‌‌های دانشجویی در مشهد در سال 81، با انجام پژوهشی در مورد راهکارهای مقابله با بی‌عفّتی در مشهد، با جلسه گذاشتن با مسئولان امر در حوزه‌های مختلف شهری و دانشگاهی اقداماتی را سامان دادند. طرحی آماده شد و به مسئولین و مجلس رفت، حتی در جلسه هیئت دولت وقت هم تصویب شد که روزنامه جام جم این مصوبه دولت خاتمی را تیتر یک کرد. فارغ از داوری در مورد محتوای طرح به‌عنوان نمونه‌ای از پی‌گیری تخصصی قابل بررسی است.

* **پی‌گیری بیداری اسلامی با شیوه‌ی تخصصی**

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با جدی شدن مسائل بحرین و نقض حقوق بشر در آن، با انتشار بیانیه‌ای تحلیلی با ادبیات حقوقی موارد نقض حقوق بشر در بحرین را از نهادهای بین‌المللی و دولت عربستان مورد مطالبه قرار داد. شنیده‌ها از اعلام رضایت رهبر معظم انقلاب از این حرکت دانشجویی حکایت می‌کرد.

* **مقابله‌ی با کارتن‌خوابی**

با مرگ 43 کارتن‌خواب در سرمای شب‌های تهران در سال 83اعضای جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در یک حرکت هماهنگ با تحقیق و بررسی قوانین وظایف نهادهای مسئول،5 شب مقابل نهادهای مسئول مسئله‌ی کارتن‌خوابی کردند در نهایت روز ششم با سخنرانی حس رحیم‌پور ازغدی در مسجد هدایت به این قضیه اعتراض کردند. دولت وقت بعد از این اعتراضات 2 میلیارد تومان برای رفع این مسئله اختصاص داد و برای جلوگیری از مرگ کارتن‌خواب‌ها گرم‌خانه تأسیس شد.

* **مقابله با خصوصی شدن سلامت و آموزش‌وپرورش و پی‌گیری تخصصی مسائل نظام سلامت**

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال 84 ضمن جشنواره‌ای با جمع‌آوری مقالات و بحث‌های تحلیلی و همین‌طور هنری دانشجویان پزشکی در مور عدالت در نظام سلامت تلاش کرد تا مسائل این حوزه را برای مسئولین مطرح کند.

تصمیم وزیر بهداشت و آموزش‌وپرورش در دولت دهم و همین‌طور اعلام نظر رییس سازمان خصوصی‌سازی مبنی بر حرکت به سمت خصوصی‌سازی در نظام سلامت و آموزش‌وپرورش موجب شد تا جنبش عدالت‌خواه دانشجویی با انتشار بیانیه‌هایی به این موضوع اعتراض کند، و در متن سالانه‌ی خویش مقابل رهبر معظم انقلاب به این مسئله تأکید کند که با تأکید رهبر معظم انقلاب جلوی مسئله تا حدّ زیادی گرفته شد. با تداوم این مسئله اعضای شورای عمومی جنبش، در مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند، این تجمّع منجر به برگزاری جلسه با وزیر و قول مساعد وزیر برای پی‌گیری مسئله شد.

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران با تشکیل مرکز سلامت بسیج، با صدور بیانیه‌های متعدد در مورد مسائل نظام سلامت موضع‌گیری کرد.

* **پی‌گیری مسائل خصوصی‌سازی**

معاونت فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) با چاپ یک ویژه‌نامه در زمان صدور سیاست‌های اصل چهل و چهار به بررسی ابعاد این مسئله پرداخت. کانون اندیشه‌ی مسلمان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با برگزاری همایشی به همین مسئله همت گماشت. جنبش عدالت‌خواه دانشجویی نیز با نامه‌نگاری با رییس سازمان خصوصی‌سازی نسبت به بعضی اقدامات نسنجیده پی‌گیری‌هایی انجام داد.

* **پی‌گیری‌های حقوقی مسائل کشور**

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با صدور بیانیه‌های مختلف در سال‌های 84  تا 86 نسبت به مسائل حقوقی مطرح در کشور اعتراض کرد، بازخوانی پرونده‌ی استات اویل، زمین‌خواری‌های اطراف تهران، قوانین مجلس و... جزو این موارد بود، که با نگاهی حقوقی صورت گرفت.

جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در پایان ریاست آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر قوه‌ی قضائیه با انتشار بیانیه‌ای تحلیلی عملکرد قوه‌ی قضائیه را مورد نقد قرار داد. هم‌چنین در اردیبهشت‌ماه سال‌های 86، 87، 88 بیانیه‌های تحلیلی در مورد عملکرد مسئولین نظام در مورد مفاسد اقتصادی منتشر کرد.

* **پی‌گیری عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی**

معاونت فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در سال 1384 با انجام تحقیقی گستره از عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصاحبه گرفتن با اساتید، اقدام به چاپ ویژه‌نامه‌ای در نشریه‌ی [هفت قفل](http://ghiam.ir/?p=1045) به برسی عملکرد آن نهاد پرداخت، سپس در برنامه‌ای رسمی ضمن مطالبه از عملکرد شورا به دعوت از دبیر وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداخت و بیانیه‌ای نیز در مورد عملکرد آن صادر کرد.

جنبش عدالت‌خواه دانشجویی و بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف در زمستان 89 در بیانیه‌های جداگانه‌ به بررسی و نقد عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداختند.

* **جنبش دفاع از استقلال**

اعتراض به مسئله‌ی‌ هسته‌ای هم از یک کار تخصصی شروع شد. نماینده‌ی اسبق ایران در آژانس انرژی اتمی، دکتر سعید زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) با مراجعه به بچه‌های بسیج دانشجویی ابعاد حقوقی مسئله را باز کرد. بچه‌های بسیج با پرس و جو بررسی قوانین عمق فاجعه را خبردار شدند و بعد مطالبه با نامه زدن و خبر کردن مردم و تشکل‌های دانشجویی با برگزاری جلسات و همایش و تجمع و در نهایت تحصن مقابل سعدآباد موقع برگزاری مذاکرات رقم و خورد و شعار انرژی هسته‌ای حقّ مسلم ماست شعار ملی شد. این حرکت بعدها با قالب‌های مختلف نظیر زنجیره‌ی انسانی مقابل یوسی اف اصفهان و رآکتور تهران و ده‌ها قالب دیگر تکرار شد.

* **جلوگیری از تخریب مزار شهدا**

با کلید خوردن طرح ساماندهی تخریب مزار شهدا بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و جنبش عدالت‌خواه دانشجویی با بررسی‌های جداگانه و صحبت با کارشناسان به تخریب مزار شهدای تهران اعتراض کردند. بعدها ده‌ها تشکل دانشجویی دیگر به این اعتراض پیوستند. در گام بعد بسیج دانشجویی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران با برگزاری جلسات تخصصی به بررسی ابعاد اجتماعی مسئله  پرداخت و کانون اندیشه‌ی دانشجوی مسلمان دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیز با انتشار بیانیه و برگزاری جلسات تخصصی به این قضیه اعتراض کرد. این اعتراضات از تخریب مزار شهدای تهران جلوگیری کرد.

* **پی‌گیری مسائل حاشیه‌نشین‌ها**

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی جغرافیای تهران در سال 1385 اقدام به برگزاری همایش و کرسی نظریه‌پردازی با موضوع حاشیه‌نشین‌ها کرد و بازدید از وضعیّت حاشیه‌نشین‌ها برگزار کرد.

مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه علم و صنعت در سال 1390 با ساختن مستند منطقه‌ی 19 به بررسی مشکل حاشیه‌نشین‌های منطقه پرداخت و با پخش آن در منطقه جلسه‌ی پاسخ‌خواهی با حضور  نمایندگان عضو کمیسیون اصل نود مجلس در منطقه برگزار کرد.

* **پی‌گیری مسائل ایثارگران**

بسیج دانشجویی دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال 1385 به پی‌گیری مسائل ایثارگران در قالب پی‌گیری لایحه حقوق ایثارگران و مشکلات این لایحه پرداخت. با حمایت سخنگوی وقت دولت از این مسئله، اعضای بسیج یکی از جانبازان مورد دار را به انتهای کلاس درس سخنگوی دولت بردند و بعد از آن با حضور ایشان جلسه بحث در همین مورد برگزار کردند.

* **پی‌گیری بی‌توجهی به تولید داخلی و اقتصاد مقاومتی در کشاورزی**

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه تهران با برگزاری نمایشگاه در مورد وضعیت پیاز جیرفت، جلسات در مورد مسائل اصلی کشاورزی کشور، اقتصاد مقاومتی و کشاورزی،  و با صدور بیانیه‌هایی به موضع‌گیری در مورد مسائل اصلی این حوزه پرداخت.

* **مقابله با اولویت تولید خارجی به تولید داخلی**

در سال 86 با دخالت بعضی نمایندگان مجلس شرکت خودروسازی چینی چری در تلاش بود، تا در بابل خطّ تولید به راه بیندازد و شنیده‌ها حاکی از آن بود، که قرار است حتّی متخصّصین خارجی آورده شده و احداث این کارخانه نه تنها سودی برای تولید داخل نداشت و حتّی رویکرد صادراتی به آن نبود، بلکه معضلات زیادی برای تولیدکنندگان داخلی بدون داشتن آورده‌ی جدی برای مردم نظیر اشتغال‌زایی و.. بود، دانشجویان و طلاب بابلی در یک حرکت هماهنگ در هنگام افتتاح این کارخانه با نامه زدن به وزیر صنایع و پلاکارد گرفتن در برنامه‌ی سخنرانی او با جملاتی از پیامبر(ص) و امام در مورد منع سوء تدبیر اعتراض کردند. کار به این‌جا رسید که وزیر صنایع وقت در سخنرانی اعلام کرد، تا وزیر است نمی‌گذارد، کلنگ کارخانه‌ی خارجی در کشور زده شود. نتیجتاً کارخانه‌ی چری در بابل تأسیس نشد و به‌جای آن خط تولید ایران‌خودرو در آن‌جا فعال شد، گرچه این مورد نیز از آسیب‌هایی مثل عدم به‌کارگیری کارگر بومی رنج می‌برد و کارخانه‌ی چری در سکوت تشکل‌های خراسانی خطّ تولید خود را در مشهد راه‌اندازی کرد، اما ا افتادن این اقدام در بابل جلوگیری شد.

* + **نقد بنیاد مستضعفان**

جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در سال 89 با تهیه گزارش تحلیلی از عملکرد بنیاد مستضعفان گزارشی برای نهادهای عالی کشور و رهبر معظم انقلاب فرستاد و نسخه‌ای قابل انتشار از آن را هم در رسانه‌ها منتشر کرد. این گزارش بعدها مورد پی‌گیری بعضی نهادهای مسئول قرار گرفت.

* + **مبارزه با واردات بي‌منطق محصولات كشاورزي**

ميزان واردات محصولات كشاورزي در اواخر سال 89 و اوايل 90 علي‌رغم كمبود توليد به جهت كاهش بارندگي و سياست‌گذاري‌هاي قيمتي غير كارشناسي در بدنه‌ی دولت علی‌رغم تأکیدات رهبری افزایش جدی یافت. در سال 89 با همکاری بسيج دانشجويي دانشكده‌هاي كشاورزي دانشگاه‌هاي تهران (كرج و ابوريحان)، تربيت مدرس، شاهد و علوم تحقيقات شوراي دانشجويي مبارزه با واردات بي‌منطق محصولات كشاورزي پيرو فرامين رهبر انقلاب در همان سال شكل گرفت. محور كار فشار رسانه‌اي بر متوليان بخش كشاورزي براي دفاع از حقوق كشاورزان بود. اين كار در قالب‌ يادداشت‌نويسي، بيانيه اساتيد و دانشجويي، توليد خبر، انعكاس اخبار استان‌ها در رسانه‌هاي ملي و توجيه خبرنگاران اقتصادي حوزه مجلس براي سؤال از نمايندگان انجام شد. همچنين از گوشه و كنار جلسات مسئولين ارشد بخش بازرگاني و كشاورزي مقاومت غیرمعمول وزير جهاد كشاورزي به گوش مي‌رسيد كه مطمئناً فعاليت دوستان يكي از پشتوانه‌هاي مقاومت‌هاي متوليان توليد مي‌باشد.

پس از مشاوره با خبرگان و ارتباط با اتاق‌هاي فكر بخش كشاورزي اين مطالبات در سال‌هاي 90 و 91 رنگ و بوي جدّي‌تري به خود گرفت و با کمک دانشجویان تحصیلات تکمیلی در غالب پی‌گیری طرح « انتزاع وظايف و اختيارات بخش كشاورزي از وزارت صنعت، معدن و تجارت و الحاق آن به وزارت جهاد كشاورزي» پي‌گيري شد. اين طرح علي‌رغم مخالفت‌هاي صريح واردات‌چي‌ها، اتاق بازرگاني‌ و صنعت، معدن و تجارت و هیئت دولت در سال 91 به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيد. دانشجويان همان شوراي دانشجويي حضور فعال در جلسات كميسيون مشترك اين طرح در مجلس داشتند و فضاي رسانه را به سود اين طرح مديريت مي‌كردند. هدف اين طرح تمركز بخشي به مديريت زنجيره‌ی توليد كشاورزي از مرحله تأمين اعتبار تا مصرف بود. جالب اينكه به‌دستور معاون اول رئیس‌جمهور وزير و معاونين وزارت جهاد كشاورزي اجازه دفاع از طرح را نداشتند كه با فشارهاي سياسي و رسانه‌اي دانشجويان مجبور به موضع‌گيري در مجلس شدند. با تصويب اين طرح، هزينه فساد و سوء مديريت بازرگاني و توليد بخش كشاورزي بالا رفته و ابزار مديريت به‌دست متوليان بخش كشاورزي قرار داده شد.

* + **حمايت از توليد كشاورزي و كاهش وابستگي در قوت غالب مردم**

پس از اعلام قيمت پائين خريد تضميني گندم در اوايل سال 91 و در پي آن احتمال وقوع مخاطرات امنيتي براي كشور از جهت غذايي و نارضايتي كشاورزان به جهت عدم تناسب قيمت با تورم قيمتي نهاده‌هاي توليد، بسيج دانشكده كشاورزي دانشگاه تهران (كرج) به این نتیجه رسید که این مسئله، معضلات امنیتی داشته و هم‌چنین پائين اعلام كردن قيمت خريد تضميني موجب كم شدن سطح زير كشت و نهايتاً توليد سال زراعي پيش رو شده و حجم واردات را افزايش مي‌دهد و عوايد اين سوء مديريت اولاً در جيب بنگاه‌هاي اقتصادي غرب و ثانياً واردات‌چي‌هاي داخلي خواهد رفت. لذا در عملياتي يك ماهه و با نوشتن چند يادداشت تحليلي و بيانيه و تبيين تهديد‌هاي اين قيمت‌گذاري و همچنين اثرگذاري در فضاي مجلس شوراي اسلامي از جانب اعضای تحصیلات تکمیلی عضو بسیج، وزير كشاورزي ابتدا مورد سؤال قرار گرفت و نمايندگان طي بيانيه نارضايتي خود را از قيمت‌گذاري صورت گرفته اعلام داشته و قيمت بالاتري را پيشنهاد دادند. دولت مجبور شد سريعاً قيمت را از كيلويي 395 به 420 تومان تغيير دهد. با توجه به اينكه قيمت جديد باز هم تمام اهداف دانشجويان را تأمين نكرد اما اين تجربه کوتاه‌مدت نشان داد، حضور تخصصي دانشجويان در بزنگاه‌هاي تصميم‌گيري كشور مي‌تواند حدود 338 ميليارد تومان از بیت‌المال را به جيب مستضعفان برگرداند.